

بررسی نحوه و تاثیر مشارکت شهروندان با پلیس در برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم (مطالعه موردی: مشارکت شهروندان تهران با پلیس و مقایسه آن با مشارکت شهروندان در کلان شهرهای آمریکا)

علی رحیمی^۱، رضا علی محسنی^۲، وحید الدین جهانیان^۳

چکیده

مقدمه: پیشگیری اجتماعی از جرم نوع جدیدی از رویکرد پلیسی است که در آن امنیت با مشارکت مردم صورت می پذیرد. هدف اصلی آن، کاهش جرم و ارتقاء احساس امنیت در جامعه است. پلیس ایالات متحده در دو دهه اخیر به گواهی پژوهش ها، در این عرصه به نتایج مثبتی دست یافته است. پلیس تهران نیز در دهه گذشته با جلب مشارکت شهروندان در صدد کاهش جرایم برآمده لیکن با این همه، نتایج تحقیقات نشان می دهد که موضوع امنیت و افزایش جرم در تهران، هنوز به عنوان یک مسئله جدی مطرح است. با این وصف پژوهش حاضر نحوه مشارکت شهروندان با پلیس را در برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم در کلان شهر تهران، با انجام یک کار تطبیقی در کلان شهرهای آمریکا مانند نیویورک، شیکاگو و لس آنجلس مقایسه نموده و پس از بررسی، راهکارهای مناسب برای کاهش جرایم با استفاده از ظرفیت مشارکتی شهروندان ارائه نموده است.

روش: نوع پژوهش تطبیقی و روش آن توصیفی-تحلیلی مبتنی بر روش چهارگانه جرج بردی است. داده ها به صورت اسنادی و کتابخانه ای جمع آوری و به ترتیب داده ها در چهار مرحله توصیف، تفسیر، هم جویی و مقایسه؛ بررسی و مورد تحلیل قرار گرفته است. برابر فرضیه پژوهش مشارکت شهروندان در برنامه های پلیس تاثیر زیادی در کاهش جرایم و پیشگیری اجتماعی از جرم خواهد داشت.

یافته ها: در کلان شهرهای آمریکا، سازمانهای دولتی، قانون سال ۱۹۹۴ و گروه های مردمی از پروژه های ابتکاری برای تقویت پلیس و کاهش جرم حمایت کردند و این امر منجر به کاهش جرایم گردیده است. به رغم اینکه پلیس تهران توانسته برخی برنامه های اجتماعی باهدف پیشگیری از جرم اجرا نماید؛ لیکن برنامه ریزی نامناسب در جهت جلب مشارکت شهروندان و عدم جلب اعتماد آنان به همکاری با پلیس و کلی بودن برنامه ها از جمله موانع اصلی در پیشگیری اجتماعی از جرم در تهران شناسایی شده است.

کلید واژه ها: جرم، احساس امنیت، مشارکت شهروندان، پیشگیری اجتماعی

مقدمه و بیان مسئله

در ۲۵ سال آخر قرن بیستم بسیاری از کارگزاران پلیس به این نتیجه رسیدند که انجام امور پلیس به شیوه واکنشی و سنتی برای مهار جرم و کاهش ترس ناشی از آن سازوکار مناسبی نیست، واژه پلیس در قوانین و مقررات و در افکار عمومی همواره با واژه سرکوبی جرم و مجرم مرتبط و همراه بوده است و بدین ترتیب نقش پلیس به طور سنتی فقط در چارچوب نظام کیفری تصور می شده است. لیکن به موازات تاکید یافته های جرم شناختی بر فایده و اثربخشی پیشگیری اجتماعی در کاهش میزان جرایم، اشکال جدیدی از ماموریت و وظیفه پلیس در جامعه از اوایل سال های هفتاد میلادی مطرح شده است (نجفی ابراندآبادی، ۱۳۷۸: ۱۴۱).

یکی از این اشکال رویکرد اجتماع محوری پلیس است که در آن امنیت با مشارکت مردم و باهدف بالا بردن احساس آرامش و رضایت مندی پیگیری می شود. (همتی ۱۳۸۶: ۱۳۵) وقتی که افراد جامعه و مامورین قانون با یکدیگر همکاری کنند تا کیفیت زندگی را در جامعه بهبود بخشند فواید این رویکرد به خوبی روشن خواهد شد. زمانی که این رویکرد به طور کامل اجرا شود به توسعه سراسری کیفیت زندگی در جامعه منجر خواهد شد (ترویانیویچ، باکوروکس، ۱۳۸۳: ۳).

^۱ مدرس دانشگاه علوم انتظامی امین و دانشجوی دکتری تخصصی جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. نویسنده مسئول. Rahimi.pmy@gmail.com

^۲ دانشیار گروه جامعه شناسی و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. mohseni.net ۴@gmail.com

^۳ مدرس و دانشجوی دکتری جرم یابی دانشگاه علوم انتظامی امین.

در سال های اخیر، اکثر کشورها با افزایش ملموس جرم مواجه و این امر احساس ناامنی^۴ و بی اعتمادی به پلیس را دامن زده است؛ لذا پلیس و مقامات دولتی برخی از کشورهای جهان به این نتیجه رسیده اند که باید نقش نهادهای جامعه مدنی در پیشگیری از جرم را به رسمیت بشناسند.

با این حال پلیس اساساً برای موفقیت در انجام وظایف خود به همکاری و حمایت شهروندان متکی است و بدون حمایت مردم؛ پلیس توانایی حل و فصل و پیشگیری از جرایم، کاهش مشکلات، حفظ نظم و برقراری امنیت در جامعه را ندارد (همتی، ۱۳۸۶: ۱۴۰).

به عنوان مثال پلیس ایالات متحده توانسته است در دهه اخیر با چاره اندیشی های نوآورانه و گوناگون به گواهی آمار و پژوهش ها، تا حدود زیادی در عرصه های پیشگیری از جرم و تامین نظم و امنیت با مشارکت شهروندان در جامعه به نتایج مثبتی دست یابد. (براگا و ویزبورد، ۱۳۹۲: ۱۹۷) یکی از اقدامات کنگره (آمریکا) تصویب ایجاد دفتر خدمات پلیس جامعه گرا بود. استراتژی اصلی این پلیس تمرکز بر شهروندان و حل مساله است. در سال ۲۰۰۹ آمار جرم و جنایت منتشر شده توسط دفتر تحقیقات فدرال نشان داد که تعداد جرایم خشونت آمیز در ایالات متحده برای سومین سال متوالی کاهش داشته است (امدی، ۲۰۱۴: ۲۴).

پیت^۵، وایکوف^۶، اسکوگان^۷ و شرمز در مطالعات خود دریافته اند که کاهش جرم در نیویورک و هوستون ارتباط زیادی با راهبرد پلیس و مشارکت مردم در پیشگیری اجتماعی از جرم داشته است. (همتی، ۱۴۳: ۱۳۸۶) در شیکاگو امور پلیس اجتماع محور در طول ده سال به دقت ارزیابی شد. درصد ساکنانی که از بیرون رفتن در شب می ترسیدند از ۴۰ به ۲۵ درصد بین سالهای ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ کاهش یافت و همچنین این استراتژی باعث کاهش ۷۴ درصدی ترس از ارتکاب جرم شد (کوردنر، ۱۳۹۰: ۴۴-۵۷).

در آمریکا اقدامات پلیس مبتنی بر مشارکت مردم در برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم نتایج بهتری نسبت به اقدامات پلیس سنتی مبتنی بر اعمال قانون نشان می دهد و در کل این رویکرد به دلیل حصول نتایج مطلوب در طول دو دهه گذشته نه تنها به لحاظ تئوریک بلکه به لحاظ تجربی رشد قابل توجهی داشته است (براگا و همکاران، ۱۳۹۲: ۶۱). به عنوان نمونه در اواسط دهه ۱۹۹۰ راهبردهای پلیس جامعه محور توسط پلیس لس آنجلس کاربردی و در تعداد زیادی از ایالت های آمریکا به عنوان الگو شناخته شد (قهرمانی، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

دادستان کل آمریکا در سال ۲۰۰۰ در گزارش خود به کنگره اعلام کرد با اتخاذ رویکرد پیشگیری اجتماعی؛ جرم و جنایت از سال ۱۹۶۸ به پایین ترین سطح خود کاهش یافته است. همچنین در سال ۲۰۰۹ آمار جرم و جنایت منتشر شده توسط دفتر تحقیقات فدرال نشان داد که تعداد جرایم خشونت آمیز در ایالات متحده برای سومین سال متوالی کاهش داشته است (امدی، ۲۰۱۴: ۲۴). کاهش جرایم و افزایش احساس امنیت پس از اتخاذ این رویکرد در آمریکا بیان گر این موضوع است که این رویکرد به خوبی اجرا و نهادینه شده است. در ایران رویکرد پیشگیری اجتماعی با عنوان جامعه محوری از اواخر دهه ۱۳۷۰ و اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی وارد عرصه سیاست پلیسی گردید (ر. ک، به: قهرمانی و ابطحی، ۱۳۸۸). برابر نتایج مثبت حاصله در کشورهای که این رویکرد را به کار گرفته اند، انتظار این بود که پس از گذشت یک دهه، رویکرد پیشگیری اجتماعی منجر به کاهش جرایم و افزایش احساس امنیت گردد.

⁴. Feeling Insecurity

⁵. pate

⁶. wycoff

⁷. Skogan

بررسی آمار جرایم در ایران از سال ۱۳۸۰ تا کنون نشان می‌دهد که نه تنها جرایم کاهشی نداشته بلکه در مقولاتی مانند سرقت که ارتباط مستقیم با احساس امنیت در جامعه دارد با رشد چشمگیری مواجه شده است. سرقت وسایل نقلیه در ایران از ۱۷۷۵۷ مورد در سال ۱۳۷۵ به ۱۰۰۸۸۲ مورد در سال ۱۳۹۲ رسیده است (مرکز آمار ایران). نتایج تحقیقی که سفیری در شهر تهران انجام داده نشان می‌دهد که موضوع امنیت در تهران، به عنوان یک مسئله جدی مطرح است، چرا که بیش از نیمی از جمعیت مورد مطالعه، امنیت و احساس امنیت را در تهران کم و متوسط بیان کرده اند (سفیری، ۱۳۸۷: ۱۵۸-۱۵۵). این موارد نشان می‌دهد که رویکرد پیشگیری اجتماعی و برنامه‌های مرتبط با آن به صورت عملی و صحیح توسط پلیس ایران اجرا نگردیده و نهادینه نشده است.

کلان‌شهرهایی مانند شیکاگو، نیویورک و لس‌آنجلس از جمله مهم‌ترین کلان‌شهرهایی هستند که پیشگیری اجتماعی از جرم را با مشارکت شهروندان عملی نموده‌اند. در ایران نیز کلان‌شهر تهران یکی از مهم‌ترین شهرهایی است که در طول ده سال گذشته همواره پلیس پیگیر جلب مشارکت شهروندان در مبحث پیشگیری اجتماعی از جرم با طراحی برنامه‌های اجتماعی بوده است.

در حقیقت این تحقیق در پی آن است که نشان دهد برنامه‌های پیشگیری اجتماعی در تهران و کلان‌شهرهای مورد نظر در آمریکا به چه نحو اجرا و تاثیر برنامه‌ها بر پیشگیری اجتماعی از جرم به چه صورت می‌باشد و سوال تحقیق این است که نحوه و تاثیر مشارکت شهروندان با پلیس در برنامه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم در پلیس ایران و آمریکا چگونه است؟

به همین واسطه در این تحقیق، برنامه‌های مشارکتی شهروندان و پلیس در پیشگیری از جرم به صورت مقایسه‌ای در شهرهای گفته شده تبیین و تاثیر برنامه‌های اجرا شده در کاهش جرم بررسی خواهد شد.

ادبیات نظری و تجربی تحقیق

تعریف پلیس:

در مهم‌ترین موارد واژه پلیس این‌گونه تعریف شده است؛ سازمانی در داخل کشور که متصدی حفظ نظم و مال افراد است (معین، ۱۳۷۵: ۱۲۰) حفظ نظم و آرامش کشور را نمودن (آریانپور، ۱۳۷۰: ۵۷۶) اداره شهربانی (دهخدا، ۱۳۳۰: ۴۴۵).

کلمه پلیس را واژه‌ای یونانی و مشتق از ریشه پلی‌تیا و پلی‌تیکا^۸ به معنی حکومت و مدیریت می‌دانند. در طول زمان، این واژه در مفاهیم مختلف به کار برده شده است. با توجه به گستردگی مفهوم واژه پلیس، در کشورهای گوناگون تعاریف متنوعی از پلیس بیان شده است. ماکس وبر جامعه‌شناس مشهور آلمانی پلیس را جلوه قدرت مشروع و عقلانیت ابزاری دیوانسالاری دولت برای استقرار نظم و امنیت در جامعه می‌داند. در جامعه آمریکا، پلیس به عنوان سازمانی شناخته شده که به منظور برقراری نظم و امنیت، جلوگیری از وقوع جرم، کشف جرم، دستگیری مجرمین و اجرای مجازات ایجاد شده است. در ایران نیز واژه پلیس در مورد سازمان‌های شهربانی و ژاندارمری سابق استفاده شده و با ادغام سازمان‌های سابق و تشکیل نیروی انتظامی، این لفظ در مورد سازمان اخیرالذکر به کار برده می‌شود. با توجه به تشکیلات جدید پلیس در ایران، تعریف زیر از پلیس قابل ارائه است: نیروی انتظامی سازمانی است مسلح که در

^۸. Politia

^۹. Politica

تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور بوده و هدف از تشکیل آن استقرار نظم و امنیت و تامین آسایش عمومی و فردی و نگرانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۱۰۹-۱۱۱).

تعریف و مفهوم پلیس جامعه محور:

پلیس جامعه محور مردم سالاری عملی است و در گسترده ترین مفهوم خود به معنای هر تلاش هماهنگی برای در کنار هم قرار دادن پلیس یک حوزه استحضاطی و افراد غیر پلیس در همان حوزه است (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۹۶). پلیس جامعه محور فلسفه ای است مبتنی بر جامعه که می خواهد مسئله به صورت خلاق و ابتکاری با مشارکت شهروندان حل شود و تاکید آن بر افزایش اعتماد و ممانعت از جرم قبل از وقوع است (ترویانیچ و باکوروکس، ۱۳۸۳: ۴).

جدول شماره ۱: مقایسه بین اداره امور پلیسی سنتی با اداره امور پلیسی جامعه محور

منبع (ملکلم^{۱۰}، ۱۹۸۸: ۸)

سؤال	اداره امور پلیسی سنتی	اداره امور پلیسی جامعه محور
پلیس کیست؟	موسسه دولتی که اساساً مسئول اجرای قانون است.	پلیس مردم و مردم پلیس هستند. مأموران پلیس تمام توجه خود را صرف خدمت به شهروندان می کنند.
نقش پلیس چیست؟	تمرکز بر مشکل جرم و جنایت	رویکرد وسیع تر مسئله محوری و حل آن
نحوه اندازه گیری کارآمدی پلیس چگونه است؟	به وسیله میزان کشف و دستگیری سنجیده می شود.	به وسیله فقدان جرم، جنایت و بی نظمی سنجیده می شود.
مهم ترین اولویت های کاری پلیس چیست؟	حفظ حکومت و حکمرانان	امنیت مردم و بررسی مشکلاتی که جامعه را آزار می دهند.
پلیس اختصاصاً با چه چیزهایی سروکار دارد؟	وقایع	مسائل و نگرانی های شهروندان
نحوه تعیین اثر بخشی کار پلیس چگونه است؟	زمان واکنش	جلب مشارکت عمومی
واکنش پلیس در مورد پاسخ به درخواست های شهروندان چگونه باید باشد؟	پلیس باید موقعی به این درخواست ها ترتیب اثر دهد که هیچ کار دیگر پلیسی نداشته باشد.	پاسخ دهی به این درخواست ها وظیفه ای حیاتی و فرصتی عالی برای پلیس است.
دانش و مهارت حرفه ای پلیس چه باید باشد؟	مهارت در واکنش فوری و مؤثر در قبال جرایم مهم	مهارت های مربوط به حفظ نزدیکی و صمیمیت با جامعه

تاکید بر پاسخگویی محلی و متناسب با نیازهای جامعه	شدیداً متمرکز و با کسب رهنمود از مرکزیت سازمان	طبیعت پاسخگویی پلیس چگونه باید باشد؟
یک کانال اساسی ارتباط با جامعه	دور نگه داشتن مأموران پلیس از آتش داغ رسانه ای	نقش بخش روابط عمومی اداره پلیس چیست؟
تعامل با جامعه و حفظ سرمایه اجتماعی	اقتدار ظاهری، توان تخصصی، سلطه امنیتی	قدرت پلیس در چیست؟

تعریف مشارکت:

یکی از کامل ترین تعاریف مشارکت توسط آبهوف و کوهن بیان شده است. اهمیت این تعریف به گونه ای است که از آن به عنوان یک تعریف استاندارد نام می برند و امروز در غالب منابع به آن استناد می کنند. آن ها معتقدند؛ مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه (منظمی تبار، ۱۳۸۵: ۱۴).

مشارکت انواع مختلفی دارد که مشارکت گروهی که مد نظر این تحقیق است، یکی از انواع آن است. در این نوع مشارکت افراد با هم تصمیم گیری می کنند و در تصمیمات متخذه با هم سهیم می شوند. در این شیوه سهم افراد در تصمیم گیری و عواقب مربوط با آن برابر است. این نوع مشارکت به عنوان مشارکت کامل نیز مطرح است (سالکی، ۱۳۷۹: ۲۳).

مبانی نظری پژوهش

از نظر ترویانویچ و باکوروکس رویکرد پلیس اجتماع محور هم فلسفه (روش تفکر) است و هم راهبرد سازمانی. این رویکرد برای پلیس و جامعه این امکان را فراهم می آورد که بتوانند برای حل مشکلاتی چون جنایت، قاچاق مواد مخدر، ترس از جنایت و به طور کلی در تمام شئون زندگی در جامعه به صورت تنگاتنگ بایکدیگر همکاری نمایند. فلسفه این رویکرد بر این عقیده تأکید دارد که مردم به واسطه مشارکت در کار پلیس و حمایت از آن شایسته ورود به فرایند عملیات پلیسی هستند و پاسخگویی به نیازهای جاری جامعه، مردم و پلیس را آزاد خواهد ساخت تا بتوانند به دنبال روشهای خلاق دیگری در مواجهه با مسایلی فراتر از تأکید بر جرایم فردی باشند. رابطه جدید بر اساس اعتماد و احترام متقابل بنا شده است. در این رویکرد از شهروندان خواسته می شود تا بخش عمده مسائل را خودشان انجام دهند. در نهایت احترام و پاسخگویی پلیس و مردم تقویت می گردد (ترویانویچ و باکوروکس، ۱۳۸۳: ۲۳-۲۰).

یک کاتالیزور بسیار مهم به سمت امور پلیسی جامعه محور نظریه پنجره های شکسته ویلسون و کلینگ است. نظریه پنجره های شکسته پدیده حوادث زنجیره ای را به عنوان یک اصل مسلم می پذیرند. بدان معنی که اگر بایک بی نظمی و یک جرم خرد مدارا شود سپس جرائم جدي تري به وقوع خواهد پیوست (کوردنر، ۱۳۹۰: ۵۸) یک پنجره تعمیر نشده و شکسته خود نشانه ای از این است که هیچ کس نگران نیست و بنابراین شکستن پنجره هایی بیشتر، هیچ هزینه ای را به دنبال نخواهد داشت.

به نظر فیلیپ زیمباردو^{۱۱} روان شناس دانشگاه استنفورد^{۱۲} هر جا که مرزهای اجتماعی یعنی همانا مفهوم ملاحظه متقابل و تعهدات مدنیت توسط افعالی که به ظاهر اشاره به "هیچ کس مراقب نیست" دارند به یک باره تنزل یابند، جرم تخریب

^{۱۱}. Philip zimbardo

قابل تحقق است. اگر مردمان یک محله باورداشته باشند که نمی‌توان کنترل غیررسمی داشت، محله آنان در برابر تهاجمات جنایی شکست پذیر است. موادمخدر مبادله خواهد شد، اتومبیل‌ها سرقت خواهند گردید، کیف زنی رایج خواهد شد. درست عکس مکان‌هایی که مردمان آن مطمئن هستند می‌توانند با کنترل‌های غیررسمی، رفتار عمومی را قاعده‌مند نمایند. یک گدای رها بالقوه اولین پنجره شکسته است. اگر محله نتواند یک گدای مزاحم را از رهگذران دور نماید، سارق با خود این‌گونه استدلال می‌کند که احتمال تماس با پلیس برای شناسایی کیف قاپان احتمالی و یا مداخله در صورت تحقق عملی زورگیری، بسیار کمتر است. جوهر اصلی نقش پلیس در حفظ نظم، همانا تقویت سازوکارهای غیررسمی کنترل در خود اجتماع است. برای تقویت این نیروهای طبیعی (مردم) پلیس باید به آنها مساعدت نماید (کلینگ و ویلسون، ۱۳۸۲: ۱۸۵-۲۰۰).

نظریه پنجره‌های شکسته بر این امر دلالت دارد که جرایم شدید به این دلیل افزایش یافته‌اند که پلیس و شهروندان در زمینه پیشگیری از بی‌نظمی اجتماعی و فساد مناطق شهری با یکدیگر همکاری نمی‌کنند (براگا و ویزبورد، ۱۳۹۲: ۲۰۱).

کوردرن^{۱۳} چهار مؤلفه فلسفی، راهبردی، تاکتیکی و سازمانی را برای پلیس اجتماعی در نظر می‌گیرد. به نظر وی بعد فلسفی در بردارنده اندیشه‌هایی است که اساس پلیس را تشکیل می‌دهد و مهم‌ترین آن توجه به نظرات شهروندان^{۱۴} برای پاسخگویی به مطالبات و ارائه خدمات و حذف دیوان سالاری به منظور ایجاد ارتباط مستقیم با آنان است. مؤلفه راهبردی شامل تدابیری است که فلسفه پلیس جامعه محور را تبدیل به عمل می‌کند. سه عنصر مهم این مؤلفه جهت‌دهی مجدد^{۱۵} اقدامات پلیسی، تقدم پیشگیری بر مقابله و تمرکز بر محدوده جغرافیایی معین برای ایجاد ارتباط و پیوند قوی بین پلیس و همسایگان است. بعد تاکتیکی بر مشارکت بین پلیس و شهروندان برای از بین بردن بسترهای زمینه‌ساز جرایم تأکید می‌کند. در نگاه مؤلفه سازمانی، پلیس باید ساختاری ایجاد کند که با خلاقیت و نوآوری پلیس جامعه محور سازگار باشد (کوردرن، ۱۳۹۰: ۱۰۳-۹۹).

به نظر ویلیامسون پلیس اجتماعی نوعی استراتژی است و آن را دارای سه مؤلفه اصلی مشارکت شهروندان، حل مشکل و تمرکززدایی می‌داند که قابل جدا شدن از یکدیگر نمی‌باشند ولی بر این امر اذعان دارد که نوع اجرای این مؤلفه‌ها مکان به مکان فرق می‌کند (ویلیامسون، ۱۳۹۳: ۱۰۴-۹۴).

جدول شماره ۲: نکات کلیدی نظریه‌های مرتبط با مشارکت شهروندان و پلیس

ردیف	نام نظریه پرداز	نکات کلیدی نظریه‌ها
۱	باکوروکس و ترویانوویچ	ارائه راه حل ابتکاری توسط همه کارکنان پلیس برای حل مشکلات، تشریح مساعی تمامی افراد جامعه، تمرکز زدایی.
۲	کوردرن	توجه به دیدگاه شهروندان، درک نگرانی مشکلات محله توسط پلیس و مردم، تقدم پیشگیری بر

¹². Stanford university

¹³. Cordner

¹⁴. Citizen Input

¹⁵. Reoriented Operations

مقابله، تمرکز بر محدوده جغرافیایی، تمرکز بر پیشگیری از جرم		
مشارکت شهروندان و پلیس در پیشگیری از جرم	ویلسون و کلینگ	۳
مشارکت شهروندان، تمرکز زدایی، توجه به حل مشکلات	ویلیامسون	۴

با توجه به اینکه تمامی نظریه پردازان فوق بر مؤلفه مشارکت شهروندان و پلیس در برنامه های پیشگیری از جرم توجه دارند و آن را عامل مهمی در کاهش جرایم و از بین بردن زمینه های ارتکاب جرم می دانند. بر این اساس فرضیه پژوهش به گونه زیر خواهد بود:

اگر پلیس و شهروندان در برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم مشارکت کنند آنگاه جرایم کاهش پیدا خواهد کرد.

پیشینه تحقیق

اکبر وروایی (۱۳۸۴) در کتاب «پلیس جامعه محور، مطالعه تطبیقی شیوه های جلب مشارکت مردمی در تأمین نظم عمومی و امنیت اجتماعی» به شیوه های جلب مشارکت در کشورهایمانند ایران، انگلستان، ایالات متحده و... اشاره و بر اهمیت نقش مردم در پیشگیری از جرائم تأکید و عنوان می نماید، در جهان امروز تأمین امنیت بدون توسل به مردم غیرممکن است و کارآمدترین شیوه برای افزایش ضریب امنیتی در جوامع با رشد بالایی جمعیتی نظیر ایران را عمومی ساختن مقوله امنیت می داند. از همین رو افراد پلیس باید تلاش کنند تا شهروندان را در تمامیت کار پلیس مشارکت دهند. برزنونی (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان امنیت جامعه محور با نگاهی به متون دینی به بررسی مفهوم امنیت و تأمین آن با رویکرد جامعه محوری پرداخته و بر اساس منابع و متون دینی بر نقش مردم و مشارکت فعال و آگاهانه جامعه در فرایند تأمین امنیت تأکید کرده است. از نظر این محقق، مشارکت مردم نشأت گرفته از تعهد دینی، تکلیف شرعی و مسئولیت همگانی است. همچنین در این نوشتار ضمن تبیین اصول ده گانه رویکرد امنیت جامعه محور، بر اهمیت ارتباط و اعتماد متقابل و دو سویه میان مردم و حاکمیت تأکید شده است.

میرمحمد صادق (۱۳۸۲) در تحقیقی با عنوان پیشگیری از وقوع جرم، ابتدا به تبیین جرم پرداخته و سپس سیاست های برخوردی و سرکوبگرانه را با دلایل علمی در جهت کاستن از وقوع جرم رد می کند. محقق نقش مشارکت مردمی در استفاده از ابزار های فنی و کاستن جاذبه های جرم را در کاهش وقوع جرم بسیار مهم و محوری می داند.

منظمی تبار (۱۳۸۵) در تحقیقی تحت عنوان "نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعی" به بررسی شیوه های تأمین امنیت در جهان سوم پرداخته است و روش تأمین امنیت در اغلب اینگونه کشورها را استفاده از شیوه قهرآمیز بیان می نماید که به همین دلیل امنیت از این نوع را ناپایدار و کم دوام می داند. وی بر این باور است که کشورهای پیشرفته به دلیل اینکه مشارکت مردمی را در بین شهروندان خود نهادینه نموده اند و در واقع مردم در تأمین امنیت بسیار جدی شرکت می نمایند امنیت در آن کشورها پایدار است.

انصاری (۱۳۸۴) در تحقیق خود با موضوع "پژوهش در عوامل موثر به مشارکت مردم در امور مربوط با ناجا در شهرستان تهران" پس از بررسی نظریات در مورد مشارکت، علل و عوامل عدم مشارکت مردم با پلیس در تهران را بررسی نموده و به این نتیجه رسیده که پایین بودن اعتماد مردم به پلیس، عدم رسیدگی به موقع به درخواست های پلیسی، عدم آگاهی پرسنل به شرح وظایف در برخورد با مردم و عدم آموزش شهروندان در راستای مشارکت و ترغیب آنها به بستر سازی مشارکت از مهم ترین عوامل عدم مشارکت در تهران می باشد.

آدامز و دیگران (۲۰۰۵) در مطالعه پنج شهر کوچک در کالیفرنیا شمالی نیز دریافتند که شهروندانی که آگاهی بیشتری از اجرای برنامه های پلیس جامعه محور داشتند در مقایسه با آن هایی که آگاهی کمتری از این برنامه ها دارند نگرش مثبتی به فعالیتهای پلیس داشته و در بیشتر برنامه های محافظت از خود شرکت کرده و ترس کمتری از جرم و احساس یکپارچه تری با اجتماع داشته اند.

هیوز (۱۳۸۰) در کتاب خود تحت عنوان پیشگیری از جرم، نقش پیشگیری از جرم و رویکردهای پیشگیری رامطرح می کند، سپس مباحث مربوط به برخورد پلیس با مجرم را رد و بیان می کند که مباحث برخوردی پلیس با مجرم بسیار کم دوام و ناپایدار و پرهزینه است و در جهان امروز باجمعیت بسیار بالا اینگونه رویکرد ها جوابگو نخواهد بود، بنابراین در پی ارائه رویکرد جامعه محوری و نقش نهادها و گروهها در پیشگیری از جرم برمی آید که در این راستا کنترل جرم را به انحاء مختلف مورد تاکید قرار می دهد.

شیدر و دیگران^{۱۶} (۲۰۰۳) با استفاده از داده های پیمایشی ۱۲ شهر آمریکا^{۱۷} به این نتیجه رسیدند که تعامل بین ساکنان اجتماع می تواند از طریق افزایش آگاهی ساکنان با روش های خاص پلیس و ایجاد و بسط روابط فردی، رضایتمندی از پلیس را افزایش دهد (شیدر و دیگران، ۲۰۰۳: ۳۶۶).

ویلیامز و پیت^{۱۸} (۱۹۸۷) به ارزیابی سه برنامه ای پرداختند که هدفشان مشارکت ساکنان در امور اجتماع و ایجاد روابط نزدیک بین مردم و پلیس در راستای کاهش احساس ناامنی در نوارک و نیوجرسی بود، در این برنامه ها روزنامه های در بین ساکنان برای آگاهی آنان از سطوح جرم و روش های موثر برای جلوگیری و پیشگیری از جرم و آگاهی از فعالیت های پلیس پخش شده بود و در مجموع پلیس و ساکنان برای کاهش وضعیت فیزیکی نامناسب همسایگی با همدیگر همکاری کرده بودند. این برنامه ها منجر به کاهش چشمگیر در طرز تلقی افراد نسبت به مسائل و مشکلات بی نظمی اجتماع و نگرانی آنها از جرائم اموال و بهبود رضایتمندی شهروندان از اداره پلیس شده بود (شیدر و دیگران، ۲۰۰۳: ۳۶۶).

فلک^{۱۹} (۲۰۰۱) در مقاله خود تحت عنوان تیم بهبود محله، یکی از برنامه های اجرا شده در می سی سی پی جنوبی در سال ۱۹۹۴ که با مشارکت شهروندان و پلیس در محلات جرم خیز این شهر اجرا شده را مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده است. وی ضمن بیان اهداف برنامه در مقاله خود، با ارائه آمار قبل و بعد از اجرای آن ثابت می نماید که این برنامه تاثیر بسیار زیادی بر کاهش جرم گذاشته و پس از اجرای برنامه روند نزولی جرم و کاهش دستگیری افراد کاملاً محسوس بوده است.

اسکوگان^{۲۰} (۲۰۰۶، ۲۰۱۱) در پژوهش خود تحت عنوان تاثیر پلیس جامعه محور بر ساکنان محله که در شهر شیکاگو انجام داده بود به این نتیجه رسید که اجرای این طرح بسیار مفید بوده و در طول ده سال ارزیابی انجام شده، درصد ساکنانی که از بیرون رفتن در شب می ترسیدند از ۴۰ درصد به ۲۵ درصد بین سال های ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۳ کاهش

¹⁶. scheider and et al

¹⁷. شیکاگو، کانزاس، ناکس ویل، لس آنجلس، مدیسون، نیویورک، سان دیگو، ساوانا، اسپوکن، اسپرینگ فیلد، تاکسون، واشنگتن دی سی.

¹⁸. Williams & pate

¹⁹. Ferris

²⁰. Skogan

یافته و همچنین در طول آن دوره اختلاف ترس از جرم بین زنان و مردان و بین افراد مسن تر و جوان تر به طور اساسی کاهش یافته است.

روش اجرای تحقیق

نوع اجرای این پژوهش تطبیقی و روش آن توصیفی - تحلیلی مبتنی بر روش چهارگانه جرج بردی^{۲۱} است. در پژوهش حاضر، برای پاسخگویی به سوال اصلی؛ برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم که با مشارکت شهروندان در شهر تهران و کلان شهرهای آمریکا (لس آنجلس، شیکاگو و نیویورک) اجرا شده با توجه به تکنیک تحلیل روایتی بیان و پس از روایت موردها، از روش چهار مرحله ای جرج بردی شامل: توصیف، تفسیر، هم جوار و مقایسه برای گزارش بهتر رویدادها استفاده و نقش آن در کاهش جرایم بررسی شده است. اطلاعات مورد نیاز نیز با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه ای گردآوری شده است.

انتخاب موارد مقایسه

اسکاچپول معتقد است پیدا کردن واقعه تاریخی معین برای مقایسه بسیار سخت است. حتی هنگامی که وقایع مناسبی یافت شوند نمی توان به راحتی همه تغییرات و ویژگی هایی را بر آن منطبق دانست. از طرفی پژوهش مقایسه ای ناچار به استناد منابعی است که پیش از آن درباره مساله تحقیق نگاشته شده اند (اسکاچپول، ۱۳۷۶: ۵۸، ۱۲، ۱۳).

مطالعات اولیه نشان داد که منابع لازم برای مقایسه ایران با بسیاری از کشورهای جهان بالاخص کشورهای آسیایی وجود ندارد. دلیل این است که رویکرد پیشگیری اجتماعی از جرم در دهه های اخیر شکل گرفته و به نوعی به غیر از دو یا سه کشور آسیایی (ژاپن و سنگاپور) آن هم به صورت ناقص تاکنون سابقه آن در دیگر کشورهای آسیایی مشاهده نشده است. کشورهایمانند انگلستان، استرالیا، کانادا و فرانسه در دهه های اخیر و پس از انجام موفقیت آمیز این رویکرد در آمریکا شروع به کاربرد آن در داخل کشورهای خود کرده اند.

اولین کشوری که رویکرد پلیس اجتماعی را اتخاذ کرد کشور آمریکا در دهه ۱۹۷۰ بود. از طرفی قسمت اعظم مطالعات و تحقیقات انجام شده در کشور ایران به مستندات اجرای برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم در آمریکا پرداخته شده است. به همین دلیل یکی از دلایل انتخاب کشور آمریکا وجود منابع لازم برای مقایسه آن با کشور ایران می باشد.

آمریکا و ایران هر دو پس از پشت سر گذاشتن دوره های پلیس سنتی و تهدید محور در دهه های گذشته و در شرایط مشابه افزایش جرایم، دوره جامعه گرایی را آغاز نموده اند. هر دو این کشورها کلان شهرهایی دارند که توجه به امنیت آن بسیار مهم است. در ایران کلان شهر تهران و در آمریکا کلان شهرهایی مانند نیویورک، لس آنجلس، شیکاگو و واشنگتن از مهم ترین کلان شهرها برای تامین نظم و امنیت به شمار می آیند. از همه این ها که بگذریم اگر قرار بر مقایسه و تطبیق یک برنامه باشد، بهتر است کشوری انتخاب شود که آغازگر برنامه بوده و به نحوی همه آزمون و خطاها را پشت سر گذاشته و در آزمون یک برنامه موفق عمل کرده باشد. این موارد همگی در مورد کشور آمریکا مصداق دارد. لذا در این پژوهش بنا به دلایل بالا کشور آمریکا و کلان شهرهای مهم آن شامل واشنگتن، لس آنجلس، نیویورک و شیکاگو که به لحاظ جمعیتی و ترکیب جرایم شبیه ترین به کلان شهر تهران می باشند انتخاب گردیده اند. در ایران نیز کلان شهر تهران به این دلیل انتخاب گردیده که برنامه های پلیس جامعه محور ابتدا در تهران به عنوان مرکز سیاسی و پایتخت اجرا و سپس در سایر استان ها اجرایی گردیده است.

یافته های پژوهش

²¹. George Brady

پلیس کشور ایران و آمریکا با عبور از دوره های سیاسی و حرفه گرایی وارد عصر جامعه محوری شدند. بررسی این دوره ها در دو کشور حکایت از آن داشت که رویکردهای سنتی پلیس دیگر پاسخگویی مطالبات افراد جامعه نبوده و باید این گونه رویکردها تغییر یابد. به همین دلیل در هر دو کشور اقداماتی صورت گرفت و انجام این اقدامات راه را برای عصر دیگری در سازمان پلیس به نام عصر جامعه محوری هموار ساخت. در این عصر هر دو کشور برنامه هایی را با مشارکت شهروندان و نهادها اجرا که اهم آن ها را می توان در چهار دسته ذکر کرد: ۱- برنامه های مرتبط با مبارزه با سوء مصرف مواد مخدر ۲- برنامه های مرتبط با کاهش خشونت در جامعه و پیشگیری از بزه کاری نوجوانان و جوانان ۳- برنامه های پلیس با مشارکت مدارس و دانشگاه ۴- برنامه های متمرکز بر محلات و شهروندان. نکاتی که در ذیل آورده شده؛ برخی از مستندات است که نشان می دهد چگونه در کشور آمریکا و ایران توجه پلیس به امر پیشگیری اجتماعی و مبحث مهم مشارکت اجتماعی در پیشگیری از جرم با کمک شهروندان پرداخته است. این نکات در دو منظر مهم چرایی و روند اجرا ذکر شده است.

جدول شماره ۳: نکات مهم در چرایی توجه کلان شهر تهران و کلان شهرهای آمریکا به امر مشارکت شهروندان (محقق ساخته)

<p>بالا رفتن نرخ جرم بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰. نرخ جرم در این سالها از ۱۸۸۷ نفر در هر صد هزار نفر به ۵۹۵۰ نفر افزایش یافت (پالمر، ۲۰۱۲: ۲۹)</p> <p>وخامت اوضاع در محلات فقیر نشین (پالمر، ۲۰۱۲: ۲۹)</p> <p>چهره منفی ایجاد شده از پلیس در اذهان مردم به دلیل سرکوب شهروندان در جنبش های دهه ۱۹۶۰ (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۳۸)</p> <p>اتهام فساد در تشکیلات پلیس (هس و میلر، ۲۰۱۲: ۳۸)</p> <p>ایجاد شکاف بین مردم و پلیس (هس و میلر، ۲۰۱۲: ۳۶)</p> <p>عدم توان غلبه پلیس بر مشکلات بوجود آمده در آمریکا (پالمر، ۲۰۱۲: ۲۹)</p>	<p>کلان شهرهای آمریکا</p>
<p>افزایش جرایم خشن مانند قتل، ضرب و جرح و سرقت در سطح کشور (مرکز آمار ایران). تضعیف جایگاه پلیس در جامعه (طلائی، ۱۳۹۳: مصاحبه با روزنامه تسنیم)</p> <p>چهره منفی ایجاد شده از پلیس بعد از حوادث کوی دانشگاه در سال ۱۳۷۸ (طلائی، ۱۳۹۳: مصاحبه با روزنامه تسنیم).</p>	<p>تهران</p>

جدول شماره ۴: نکات مهم در روند توجه پلیس به پیشگیری اجتماعی از جرم با مشارکت شهروندان در آمریکا و ایران (محقق ساخته)

<p>پس از بالا رفتن نرخ جرم و جنایت و در نتیجه چهره منفی ایجاد شده از پلیس، در بین سال های ۱۹۶۰ تا ۱۹۸۰ تمامی جنبه های مربوط به فرایند اجرای قانون و تامین امنیت به منظور کشف علت بازنگری شد و نتیجه این اقدامات نشان داد که شیوه سنتی ارائه خدمات پلیس برای حل مشکل جرم و تامین امنیت عمومی جوابگو نیست (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۴۹).</p> <p>پلیس اقدامات راهبردی مانند پلیس مسئله محور، پلیس محله و دیگر برنامه های مرتبط با پلیس جامعه محور را کاربردی کرد (پالمر، ۲۰۱۲: ۲۹).</p> <p>عدم تاثیر نگرش بازدارنده بر کاهش جرایم باعث شد روش های جدید پلیس جامعه محور ابداع گردد. در این روش ها استفاده از خود جامعه و شهروندان برای جلوگیری از بروز جرم استفاده گردید (پالمر، ۲۰۱۲: ۲۹).</p> <p>در دهه ۱۹۸۰ چندین شهر نگرش هرمن گلدشتاین یعنی اداره امور پلیسی بر مبنای رویکرد مسئله را آزمودند و در بسیاری از ادارات پلیس تاکید از مبارزه با جرایم به پیشگیری اجتماعی از وقوع جرم منتقل شد (هس و میلر، ۱۳۸۲: ۴۳).</p> <p>در سال ۱۹۸۱ دوازده درصد مردم عضو گروه های محلی خود بودند و در پیشگیری از جرم مشارکت داشتند (ویلیامسون، ۱۳۹۲: ۹۰).</p> <p>ادارات پلیس در دهه ۱۹۸۰ در سراسر کشور استراتژی های پلیس جامعه محور را به عنوان راهی</p>	<p>آمریکا</p>
--	---------------

<p>برای افزایش روابط بین پلیس و جامعه به کار گرفتند (ایان میرسکی، ۲۰۰۷: ۶). وزارت دادگستری آمریکا دفتر خدمات پلیس جامعه محور را در سال ۱۹۹۴ تأسیس کرد (ویلیامسون، ۱۳۹۲: ۹۰).</p>	
<p>در لایحه جرم قانون ۱۹۹۴ بودجه ای برای استخدام ۱۰۰۰۰۰ افسر پلیس جدید اختصاص داده شد که باید به طور قانونی وارد امور پلیسی جامعه محور شوند (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۲۴۲). ۲۱ هزار افسر پلیس در سال ۱۹۹۷ از شیوه نظارت پلیس جامعه محور استفاده نمودند. حدود دو سوم سازمان های پلیس و ۱۱۳ هزار افسر پلیس در سال ۱۹۹۹ از این شیوه پیروی کردند و ۸۷ درصد افسران پلیس محلی در سازمانی کار می کنند که در آن شیوه نظارت پلیس جامعه محور آموزش داده می شود (بیک، ۱۳۹۱: ۵۶۹). تقریباً ۱۵۵۰۰ نفر معاونان کلانتری در سال ۱۹۹۹ در مقایسه با تقریباً ۳۶۰۰ نفر در سال ۱۹۹۷ به صورت تمام وقت برای امور پلیسی جامعه محور تعیین شده بودند (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۲۴۴). در سال ۲۰۱۲ حدود ۱۳ هزار بخش پلیس محلی و ۳۰۰۰ کلانتری در شهرهای کوچک و بزرگ آمریکا عوامل اجرای قانون پلیس جامعه محور بودند (پالمر، ۲۰۱۲: ۳۲). در اوایل دهه ۱۹۹۰ یک گرایش به سمت کاهش جرم اتفاق افتاد. اولین ارزیابی ها نشان داد که بین سال های ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ شاخص جرم از ۵۸۹۷ جرم برای هر صد هزار نفر به ۳۹۸۲ جرم کاهش یافت (پالمر، ۲۰۱۲: ۳۲).</p>	<p>آمریکا کا</p>
<p>مشکلات اواخر دهه ۱۳۷۰ باعث شد ناجا ساختار جدیدی را طراحی و پلیس های تخصصی را به تدریج ساماندهی نماید. در سال ۱۳۷۸ معاونت اجتماعی ناجا با هدف ایجاد بستر مساعد برای مشارکت عمومی در تولید و حفظ امنیت اجتماعی تأسیس شد (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۰). رویکرد پلیس جامعه محور با شکل گیری پلیس ۱۱۰ (در اواخر سال ۱۳۷۹) نمود بیشتری یافت (نیکوکار و یار احمدی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). قالیباف اولین کسی بود که در سال ۱۳۸۰ به اهمیت و جایگاه رویکرد پلیس جامعه محور در ایران اشاره کرد (قهرمانی و ابطی، ۱۳۸۸: ۵۶). در سال ۱۳۸۲ مقام معظم رهبری بر توجه به رویکرد جامعه محوری و همکاری پلیس و مردم تأکید کردند (ورویی، ۱۳۸۴: ۴۶). دولت جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۳ برابر ماده ۱۱۹ قانون برنامه چهارم توسعه موظف گردید: طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه محوری، مشارکت همگانی و جایگزینی ارزشهای وکنترل های درونی به جای رویکرد امنیتی برای ارتقاء احساس امنیت در جامعه را تهیه نماید (مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه، ۱۳۸۳). از اوایل دهه ۱۳۸۰ به بعد برنامه های نیروی انتظامی در هفته ناجا بر اساس این رویکرد مطرح گردید (یعقوبی، ۱۳۹۲: ۱۴). از سال ۱۳۸۵ به بعد برای بسط اقدامات اجتماعی در کلیه سطوح فعالیت های پلیس، رده های اجتماعی در پلیس های تخصصی و ماموریتی ناجا شکل گرفت (بیات و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۵۱).</p>	<p>ایران</p>

وجوه تشابه:

پس از بالا رفتن نرخ جرم و جنایت، پلیس کلان شهرهای هردو کشور فرایند اجرای قانون را بازنگری و به این نتیجه رسیده اند که رویکرد سنتی و تهدید محور برای مبارزه با جرم جنایت تأثیری ندارد و به همین دلیل رویکرد توجه به جامعه را اتخاذ نموده اند. البته آمریکا در به کارگیری این رویکرد مبدع بوده است.

مقامات بلند پایه هردو کشور از این رویکرد استقبال نموده اند. در آمریکا رئیس جمهور و کنگره با اتخاذ آن موافقت و در ایران مقام معظم رهبری بر ضرورت توجه به شهروندان تأکید و در سال ۱۳۸۳ دولت در قانون برنامه چهارم توسعه موظف به تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت با رویکرد جامعه محوری شده است.

در هردو کشور پس از اتخاذ این رویکرد تأکید از مبارزه با جرایم به سمت پیشگیری از جرم منتقل شد.

وجوه تفاوت:

Archive of SID

در آغاز اتخاذ رویکرد جامعه محوری در آمریکا، سازمان های دولتی این کشور از پروژه های ابتکاری برای تقویت پلیس جامعه محور حمایت کردند و کتاب و مقاله به چاپ رساندند. اما در ایران حمایت سازمان های دولتی به صورت عملی دیده نمی شود.

قانون سال ۱۹۹۴ آمریکا از تاسیس پلیس جامعه محور در سراسر کشور حمایت و برای توسعه این طرح عملاً میلیاردها دلار از سوی کنگره اختصاص و بودجه ای برای استخدام ۱۰۰۰۰۰ افسر پلیس جامعه محور پیش بینی گردید. اما در ایران به جز مفاد ماده ۴ قانون ناجا که در اوایل دهه ۱۳۷۰ نیروی انتظامی را موظف به همکاری با سایر نهادها نموده، عملاً توجهی از سوی قوه قانون گذار صورت نگرفته است.

عضویت دوازده درصدی مردم آمریکا در گروه های محلی برای مشارکت در پیشگیری از جرم و استفاده ۲۱ هزار افسر پلیس در سال ۱۹۹۷ و ۱۱۳ هزار افسر در سال ۱۹۹۹، از شیوه نظارت پلیس اجتماع محور در آمریکا و مشارکت وسیع سازمان های پلیسی و شهروندان در اقدامات پلیس جامعه محور نشان می دهد که استراتژی های پلیس جامعه محور به صورت عملی در سازمان های پلیس این کشور اجرایی شده است. در ایران مشارکت عملی مردم و یا مشارکت وسیع سازمان های پلیس در اقدامات پلیس جامعه محور دیده نمی شود.

نحوه و تاثیر برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم در آمریکا و ایران

برنامه های اجرا شده در کلان شهرهای آمریکا (لس آنجلس؛ نیویورک؛ شیکاگو)

سازمان قضایی کالیفرنیا در سال ۱۹۹۳ می نویسد که وقت آن رسیده که از رویکرد پلیسی جامعه محور و مسئله گرا بهره گرفت. این رویکرد نوید بخش ایجاد رابطه ای کارآمد و موثر بین پلیس و اقشار جامعه برای اصلاح و بهبود جامعه و ایمن کردن آن خواهد بود. این رویکرد می تواند اقشار جامعه را باهم متحد سازد و موجب احساس غرور در نیروهای پلیس شود (بیک و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷۴). در شیکاگو نیز پلیس تلاش کرد خود را به مردم نزدیک کند، پلیس در شیکاگو ابتدا به درک محله از نگرانی های موجود پرداخت و جرائم مهم که رشد زیادی پیدا کرده بود را شناسایی کرد، جرایمی مانند سرقت، خشونت های خیابانی و مواد مخدر (عبداللهی، ۱۳۹۳: ۳۲۷) برابر همین سیاست پلیس کلان شهرهای گفته شده برنامه های زیادی را با مشارکت شهروندان برای پیشگیری اجتماعی از جرم اجرا کرد که در زیر نمونه ای از این برنامه ها بیان می گردد:

برنامه تحصیلی و آموزشی مقاومت در برابر باندهای تبهکاری:

این برنامه یک برنامه آموزشی پیشگیری از باندهای تبهکاری است که به وسیله افسران پلیس تعلیم داده می شود. برنامه بر ارتقای مهارت های شخصی، مهارت های انعطافی، مهارت های مقاومتی و اجتماعی تاکید دارد. این برنامه یک طرح درس اختیاری برای دانش آموزان پایه های سوم تا ششم، یک بخش خانوادگی و یک برنامه اوقات فراغت تابستانی دارد که از طریق درگیر کردن خانواده و جامعه به تقویت درس های کلاسی کمک می کند. بر اساس تجزیه و تحلیل برنامه در ۱۱ شهر معلوم شده که ارتکاب جرم کمتری توسط دانش آموزان مشمول این طرح گزارش شده است. دانش آموزان شرکت کننده در برنامه در سطح پایین تری از خطر جوی و بزه دیدگی بوده و گرایش بسیار مثبت تری به پلیس و گرایش منفی تری نسبت به باندهای تبهکاری داشته اند و نسبت به نوجوانان آموزش ندیده دوستان بیستری داشتند که درگیر فعالیت های مثبت اجتماعی بودند (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

برنامه آموزش مقاومت در برابر مواد مخدر (Dare):

Archive of SIP

سازمان های اجرای قانون در آمریکا در دهه ۱۹۷۰ با مشکلات زیادی روبرو بودند، جریان مواد مخدر به صورت پنهانی ادامه داشت و جرم و جنایت در کشور روبه افزایش بود. برای این مشکلات شهروندان خواستار خدمات پلیس برای بهبود اوضاع شدند (ویلیام و همکاران، ۱۹۹۷: ۲). باشورش جوانان علیه جنگ ویتنام مصرف ماری جوانا وال اس دی افزایش یافت. در این دهه حدود ۴۰ درصد جوانان ۱۸ تا ۲۱ ساله و بسیاری از سربازان حاضر در ویتنام به مصرف ماری جوانا می پرداختند. فرهنگ مصرف مواد به اوج رسید و باعث مصرف بالای کوکائین شد.

بر همین اساس برنامه معروف آموزش مقاومت در برابر سوء مصرف مواد مخدر مشترکا از سوی اداره پلیس لس آنجلس و آموزشگاه های لس آنجلس ارائه شد. هدف آن آموزش کودکان ابتدایی برای گفتن نه به مواد مخدر برای مقاومت و مخالفت در برابر فشار ایجاد شده برای امتحان کردن مصرف مواد از سوی آنها و یافتن جایگزین هایی برای مصرف مواد مخدر است (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۲۷۳).

این یک برنامه جامع پیشگیری از مصرف مواد مخدر و جرم برای کودکان از کودکستان تا پایان دبیرستان است که در اصل در سال ۱۹۸۳ در لس آنجلس تدوین و در حال حاضر در بیشتر خاک آمریکا اجرا می شود. بر اساس اعلام وزارت دادگستری آمریکا، این اقدام، وسیع ترین برنامه پیشگیری از مواد مخدر و خشونت اجرا شده در جهان است و بیش از ۵۰ کشور جهان از این برنامه اقتباس کرده اند. این برنامه به وسیله مردم مثبت ارزیابی شده و دامنه و محبوبیت آن گسترش یافته است. پذیرش دانش آموزان نسبت به برنامه های دیگر بالاتر ارزیابی شده و با قدرت توسط کارکنان مدارس، دانش آموزان، والدین و جامعه پشتیبانی شده است (نسل، ۱۳۸۷: ۱۹۸-۱۹۹).

در حال حاضر این برنامه زنده و پویاست و در ۸۰ درصد مدارس آمریکا به بیش از ۲۶ میلیون دانش آموز آموزش داده می شود. در ادامه این برنامه قانون جوامع عاری از مواد در ژوئن ۱۹۹۷ به تصویب رسید. این قانون کاتالیزور افزایش مشارکت شهروندان در کاهش مصرف مواد میان جوانان است و گروه های ضد مواد جامعه را از سرمایه مالی کافی برای انجام ماموریت های مهم خود برخوردار می سازد. نتایج حاصل از ارزیابی اجرای برنامه نشان داد که عامل مربوط به فعالیت های والدین و کودکان توانسته است ۱ سال پس از اجرای برنامه، میزان مصرف سیگار، الکل و ماری جوانا را کاهش دهد (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۴۹۹-۵۰۰).

برنامه آموزش در مورد خشونت و جایگزین های ایمنی:

در پاسخ به افزایش نگران کننده جرم، از جمله سلاح در محوطه های مدرسه، اداره پلیس سان خوزه^{۲۲} کالیفرنیا برنامه آموزش در مورد خشونت و جایگزین های ایمنی^{۲۳} را گسترش داد. تا ژوئن ۲۰۰۰، ۱۵۶۲ دانش آموز و ۱۶۱۸ پدر یا مادر در این برنامه مشارکت کردند. برنامه ای یک روزه در شش ساعت که در آغاز از سوی پاسبان ها تدریس گردید و در آن واقعیت های مربوط به خشونت همچنین پیامدها و آثار آن و مسئولیت در قبال انتخاب نامناسب بحث و بررسی شد. دانش آموزانی که به این برنامه ارجاع داده می شوند از جمله کسانی هستند که آنها را با سلاح دستگیر کرده اند (شامل چاقو، تفنگ، مواد منفجره و پنجه بوکس) همچنین افرادی که در دعوی مشت زنی دخالت داشته اند یا آنهایی که صرفا با خشونت

²². San Jose

²³. Safe Alternatives And Violence Education

دیگران را تهدید کرده اند. مطابق با اعلام مقامات رسمی برنامه، ۸۴ درصد از دانش آموزانی که در این برنامه شرکت کرده اند سال بعد مرتکب نقض مقررات نشده اند (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۲۷۵).

جوانان، مرکز توجه پلیس مردمی:

پلیس لس آنجلس برای ایجاد یک استراتژی اجتماعی جامع، اداره جدیدالتاسیسی را تحت عنوان جوانان، مرکز توجه پلیس مردمی راه اندازی نمود. این اداره هدف خود را بر متمرکز نمودن توجه پلیس و مسئولان اجتماعی بر روی پیشگیری از بزه کاری جوانان تعریف نموده است تا اینگونه موسسات با همکاری پلیس مشکلات مربوط به جوانان را شناسایی و راه حل های مناسب را ارائه دهند. هشت منطقه با این اداره همکاری دارند که عبارتند از بوستون، ماساچوست، لس آنجلس، کالیفرنیا، کانزاس سیتی، اوکلند، مونت بایر، هوستون، تگزاس، ریوگراند و شیکاگو. دانشکده فنی والی^{۲۴} آموزش و همکاری فنی را به این مناطق ارائه می دهد و بدین منظور بودجه هایی برای اجرای برنامه های اداره جوانان مرکز توجه پلیس مردمی، و ارزیابی استراتژی آن دریافت می نماید. این اداره بر روی پاسخ گویی به مشکلات محلی تاکید دارد. این تیم ها موضوعاتی که جوانان با آن مواجه هستند را مطرح می نمایند. فرار از مدرسه، آلوده شدن به مواد مخدر و الکل، گروه های تبهکاری و... همچنین این گروه ها در پاسخ به نیازهای محلی پیشقدم هستند (وروانی، ۱۳۸۴: ۹۵-۹۶). تاکنون ارزیابی در خصوص این برنامه اجرا نشده است.

برنامه کنترل دانش آموزان فراری در لس آنجلس:

در این برنامه پلیس دانش آموزانی که بدون دلیل قابل قبول، در خلال ساعات درسی در خیابان ها هستند را دستگیر و به بازداشتگاه موقت در دفتر پلیس محلی می برد. کارکنان این دفتر با والدین دانش آموزان فراری برای برگزاری یک جلسه خصوصی تماس برقرار می کنند. در این جلسه دانش آموزان نیز می توانند شرکت کنند. اگر والدین نتوانند در جلسه شرکت کنند، کارکنان دفتر، دانش آموز را به مدرسه برمی گردانند. سپس مدرسه و اداره پلیس، در هفته های بعد حضور دانش آموز مورد نظر را از نزدیک تحت نظارت قرار می دهند و برای کاهش تأثیر منفی وقفه در حضور کلاس درس، کلاس جبرانی برای دانش آموز برگزار می شود. این کلاس ها کمک می کنند تا دانش آموز در مدرسه باقی بماند. معلمان کلاس های جبرانی در مورد هر مسئله ای که منجر به فرار از مدرسه می شود، تصمیم می گیرند و تکالیف مدرسه از رکود تحصیلی این دانش آموزان جلوگیری می کند.

به طور کلی تمرکز این برنامه، بر انجام مجدد دانش آموزان مدرسه گریز به جای استفاده از مجازات استوار است. ارزیابی های به دست آمده از اجرا نتایج متفاوتی را نشان داده اند. به طوری که در طول ۱۸ تا ۲۱ ماه متوالی تماس با ادارات پلیس محلی به خصوص دستگیری های رسمی به نحو قابل توجهی افزایش یافت. معیارهای اجرایی علمی نشان داد که اکثر دانش آموزان مدرسه گریز پس از جمع آوری از خیابان ها، باز هم به بزه کاری در مدرسه ادامه دادند؛ اما بهبودی اساسی در فعالیت زیربنایی مدرسه در مقایسه با رفتار یک سال قبل و پس از جمع آوری دانش آموزان فراری از خیابان ها مشاهده شد. به علاوه، پیشرفت در میان دانش آموزانی که دارای کمترین میزان کارایی بودند، از بقیه بیشتر بود. به عبارتی، همکاری بین کارایی بهبود یافته مدرسه و برنامه وجود داشته است، اما تأثیر دستگیری های رسمی را نباید نادیده گرفت (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۲۰۶).

برخی از ادارات پلیس آمریکا برای کمک به مهار تکرار و تداوم تماس های غیر ضروری مردم با پلیس از طریق ۹۱۱ اقدام به تاسیس پایگاه اطلاع رسانی می نمایند. در همین راستا پلیس لس آنجلس برای ارائه اطلاعات و موارد اطلاع داده شده از سوی شهروندان، به صورت ۲۴ ساعته پایگاه اطلاع رسانی راه اندازی کرده است. این پایگاه کاربران را به بیش از شش معیار مانند: درباره جامعه خود بدانید، اطلاعات کلی، مشارکت کنید و قهرمانان را پاس دارید راهنمایی می کند. افرادی که می خواهند به هر دلیلی از جمله طرح شکایت، گزارش جرم یا تقدیر و تشکر از مامور کارآمد به پاسگاه های پلیس در پایان شهر بروند، این موارد و یا غیر از آن، هم اکنون به صورت ۲۴ ساعته و به زبان های مختلفی از جمله کره ای، چینی و اسپانیایی انجام می شود. همچنین بیش از دوازده خط ویژه و شماره تلفن های عادی، برای گزارش هر موردی، از خشونت مسلحانه گرفته تا کودک آزاری در نظر گرفته می شود (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۲۶۳-۲۶۴).

توسعه سرویس پلیس جامعه محور توسط دانشگاه کالیفرنیا:

دانشگاه کالیفرنیا، اداره پلیس ایروین که یک سرویس پلیس جامعه محور است را توسعه داده است که با یک رویکرد هم افزایی به ایمنی و امنیت نیازهای جامعه خدمت می کند. یکی از ویژگی های این پلیس؛ مشارکت پلیس و مردم برای تعیین نیازهای جامعه، مشاوره با جامعه از طریق انجمن های پلیس، تعامل و مشارکت همه اعضا، نظرسنجی، مصاحبه، برگزاری کارگاه برای کمک به شناسایی نیازهای جامعه؛ حل مشکلات جامعه و پاسخگویی به شهروندان و احترام و حفاظت از حقوق شهروندی است (www. police. uci. edu).

پلیس ویژه اطفال و نوجوانان منطقه بروکزویل نیویورک:

منطقه بروکزویل نیویورک محدوده ای به وسعت ۳/۱ کیلومتر در شهر نیویورک را شامل می شود. در بروکزویل هزاران نفر وجود دارند که در مجتمع های بزرگ به نام سرپناه های جمعی به سر می برند. نیویورک تایم این سرپناه های جمعی را کلبه های کثیف، محقر، جدید و وحشتناک توصیف نمود. آمار جرایم در این منطقه بسیار بالا بوده است (وروانی، ۱۳۸۴: ۹۷). در ناحیه بروکزویل در راستای کنترل جرایم علاوه بر آنکه در زمینه های مشارکت محلی به منظور پیشگیری از جرم با همکاری مقامات فدرال در دهه ۱۹۸۰ کار شد، این خط مشی ها بر نظریه ای که در وهله اول به خانواده و سپس به جامعه محلی مربوط می شود، بنا نهاده شده است. امروزه بیش از هفتاد برنامه و اجتماعات و فعالیت های سازنده در محله بروکزویل انجام می شود (کازمی و بارانی، ۱۳۸۸: ۴۶۱-۴۶۲).

برنامه آموزشی سی. آی. تی^{۲۵} در نیویورک:

برنامه متوسط و کم خرج مبارزه با دزدی خودرو موسوم به سی. آی. تی است که در نیویورک در سال ۱۹۸۸ آغاز شد. در این برنامه عکسبرگردان مخصوصی روی پنجره عقب خودرو قرار داده می شود، پلیس می تواند هر وسیله ای را که دارای این پرچسب است، بادیدن آن در خیابان در بین ساعات ۱ تا ۵ بامداد، بدون اینکه علت احتمالی برای توقف آن باشد متوقف نماید. در این برنامه داوطلبانه، هر شهروندی که قاعدتا در این ساعات از وسیله خود استفاده نمی کند فرم رضایت نامه ای را امضا و برچسب سی. آی. تی به او داده می شود تا به طور مشخص آن را بیرون پنجره عقب خودرو نصب کند. پلیس هر زمان خودرو را در حال تردد در ساعات غیر اعلام شده مشاهده نماید، احتمال سرقت خودرو را داده و نسبت به توقیف آن اقدام می نماید (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۲۷۹).

پیشگیری از کلاهبرداری از سالمندان نیویورک:

Archive of SID

این برنامه در منطقه ناسائو کانتی^{۲۶}، ایالت نیویورک انجام شد. یک تیم حل مسئله اداره پلیس ناسوکانتی، شروع به شناسایی متخصصین اجتماعی از میان گروه های سالمند، دفاتر وکلای بخش و جامعه تجار به منظور تعیین حدود مسائل مربوط به کلاهبرداری علیه سالمندان و همچنین اقدامات متقابل موثر در برابر آنها نمود.

اداره پلیس ناسوکانتی، گروه های سالمندان، کانون وکلای شهر، جامعه بازرگانان و شرکت های عمومی یاران اصلی این برنامه بوده اند. هیچ بودجه اضافی برای اجرای این برنامه مورد نیاز نبود. هزینه های آموزش برای موسسات بازرگانی، موسسات عمومی و سایر نهادهای تجاری، توسط همان موسسات پرداخت شد. این برنامه در هر منطقه ای که دارای جمعیت سالمند و مرفه باشد قابل تکرار است (نسل، ۱۳۸۷: ۱۸۸ تا ۱۹۰). پس از اجرا، ۵۳ درصد کاهش در موارد گزارش شده کلاهبرداری و شیادگی در سطح شهر مشاهده شد (از ۳۲ مورد در سال ۱۹۹۷ به ۱۷ مورد در سال ۱۹۹۸).

برگزاری نشست مردمی در شیکاگو:

پلیس شیکاگو از سال ۱۹۹۵ شروع به برگزاری نشست یا همان جلسات اجتماعی با مردم کرده است. این پلیس ۲۵۰ نشست در ماه با مردم برگزار می کند. تا سال ۲۰۰۳ حدود ۶۰۰ هزار نفر در این نشست ها شرکت کرده اند. در بعضی نواحی، پلیس از طریق برنامه های آموزشی یا ثبت نام در آکادمی های خود، اطلاعات پلیسی را در اختیار مردم قرار می دهد. مردم در این نشست ها اکثر اوقات درباره تخریب محلات از جمله ساختمان های متروکه و دیوار نویسی، مشروب خواری، ولگردی جوانان، ساعات خاموشی، فرار از مدرسه و بی نظمی در مدارس سخن می گفتند. مردم درباره ترافیک و پارکینگ ها بیشتر سخن می گفتند و کمتر درباره اموال شخصی صحبت می کردند (ویلیامسون، ۱۳۹۳: ۹۵، ۹۷).

پلیس شیکاگو محله های جرم خیز را برای شرکت در این نشست ها سازماندهی کرده است. برخلاف نشست های مراقبت همسایگی و ایسکانسین، نشست های شیکاگو به جای مجتمع های مسکونی محلی، در اماکن عمومی برگزار می گردد. بیشترین حضور در این نشست ها برای حدود دو سال، در حوزه استحقاقی کلانتریایی مشاهده شد که نرخ جرم بالاتری داشتند. اسکوگان و همکارانش این نشست ها را ارزیابی کردند که در نتیجه تحقیقات سال ۱۹۹۵ در برخی جرائم والگوهای بزه دیدگی کاهش هایی مشاهده گردید. با وجود اینکه مستندات کاهش جرم برای پلیس جامعه محور شیکاگو دوپهلوست، با این حال قابل تحسین است که پلیس شیکاگو محله های جرم خیز را برای شرکت در این نشست ها سازماندهی کرده است (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۲۵۲).

برنامه آموزشی اداره جوانان شیکاگو:

برنامه آموزشی اداره جوانان، مرکز توجه پلیس نوجوانان در شیکاگو، جوانان را به مشارکت در فعالیت های پلیس تشویق کرده و یک پلیس قوی اتحادیه جوانان را بوجود آورده است. گروه هایی که در این برنامه شرکت دارند عبارتند از: پلیس، شهرداری، خانواده و جوانان، اداره توسعه و طرح های شهری، اداره خدمات جوانان، اداره جوانان شیکاگو، جوانان و کودکان ۲۰۰۰، و مرکز شبکه جوان (کاظمی و بارانی، ۱۳۸۸: ۴۶۳-۴۶۲).

فرایند سیستم محله ای جدید در شیکاگو:

یک عملیات کمتر شناخته شده اما اغلب موثر پلیس شیکاگو در فرایند سیستم محله ای، دیدارهای خانه به خانه پلیس با شهروندان است. این دیدارها ممکن است برای کسب اطلاعاتی از قبیل شناسایی افراد حامل سلاح یا فروشنده مواد مخدر، مورد استفاده قرار گیرند. این دیدارها ممکن است برای آگاه سازی عمومی نیز مورد استفاده واقع شوند، مانند آموزش

روش های کاهش سرقت منازل یا ارشاد درمورد نحوه برخورد با خشونت های خانوادگی. همچنین دیدارها ممکن است در راستای مردمی تر کردن پلیس و به نحوی ساده برای معرفی مأمورین پلیس محلی به ساکنین باشد (نسل، ۱۳۸۷: ۲۵۳). اسکوگان، ویکوف، لیکوک تحقیقاتی درخصوص این برنامه انجام دادند که دیدارهای خانه به خانه پلیس با مردم موجب کاهش بزه دیدگی شده بود و دریک مورد تحقیق لیکوک سرقت از منازل ۶۲ درصد کاهش یافته بود (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۲۵۳).

راهبرد جایگزین پلیس شیکاگو^{۲۷}:

یکی از ابتکارات ماندگار مراقبت پلیس در آمریکا، برنامه راهبرد جایگزین پلیس شیکاگو است که شواهد بی شماری مبنی بر ارزش مراقبت پلیسی اجتماعی براساس ادغام خدمات شهری، نظیر خدمات پلیس، مسکن و خدمات اجتماعی و مشارکت ساکنان ارائه می دهد. فواید حاصل از این برنامه تنها در زمینه مهار جرایم نبوده بلکه مربوط به پیشرفت در خدمات رسانی می باشد. مراقبت پلیس اجتماعی تعهدات پلیس را افزایش می دهد، مشکلات بی نظمی اجتماعی که شهروندان بوجود می آورند و بیشتر آنان فعالیت های غیرقانونی می باشند که معمولاً جزو اولویت های پلیس نیستند. این مشکلات عبارتند از: دیوار نوشته ها، مصرف الکل درملاء عام، تخریب اموال، فرار از مدرسه و نیز فعالیت های نادرست دیگر مانند ولگردی، گدایی، بحث وجدل های عاری از خشونت که نمی توان آنها را چندان قانونی تلقی کرد (فیلدینگ، ۱۳۹۰: ۱۸۲-۱۸۳).

پلیس فهرستی از ساختمان های فرسوده را تهیه و صاحبان آن را پیدا می کرد. طی دو سال پس از بکارگیری این راهبرد تقریباً یک سوم ساکنان محل در جلسه های گشت محلی شرکت جستند که سه چهارم آنها اعلام داشتند اقدامات موثری صورت گرفته و آنان تغییراتی را در محله خود مشاهده کرده اند که نتیجه این جلسات بوده است. یکی از ابزار کلیدی، فرم درخواست خدمات شهری بود که همه نوع خدماتی را شامل می شد و از طریق اینترنت و یا اداره پلیس و سازمان های اجتماعی عرضه می گردید. (فیلدینگ، ۱۳۹۰: ۱۸۲-۱۸۳) ۲۵ منطقه پلیس بین ۲۷۹ تیم گشتی پلیس تقسیم شدند. برخی از مأموران به عنوان تیم مداخله سریع تعیین شدند تا به تماس های اورژانسی پاسخ دهند. بقیه تیم ها مأموریت داشتند تا با همکاری شهروندان مشکلات محلی را حل و فصل نمایند. نتایج نشانگر افزایش اعتماد شهروندان به پلیس و کاهش نرخ جرم در مناطقی که طرح در آنها اجرا شده بود خیلی بیشتر از مناطق کنترل بود. (جعفری و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۲۰) برنامه به رشد خود ادامه داد. بعضی از اجزای آن حذف و یا اساساً تغییر داده شد و بعضی دیگر به آن اضافه گردید.

اسکوگان در تحقیقات خود در شیکاگو به این نتیجه رسید که بعد از یازده سال از انجام این مدل دیدگاه مردم درباره پلیس ۱۰ تا ۱۵ درصد بهبود یافته است، چون تاثیر گذاری و پاسخگوبودن و خوش رفتاری مأموران پلیس با مردم افزایش یافته است. سیاه پوستان و سفید پوستان و افراد اهل آمریکای لاتین همگی در این تحولات نقش داشته اند (ویلیامسون، ۱۳۹۳: ۹۵).

بهره گیری از تئوری پنجره های شکسته و طرح الگوی تئوری افت محله در شیکاگو:

در شیکاگو با استقبال از نظریه پنجره های شکسته، شکل دیگری از الگوی پلیس اجتماع محور، یعنی تئوری افت محله مطرح می شود که این نظریه بر ارائه شبکه ای از داوطلبان، سازمان های اجتماعی و آژانس های خدمات شهری برای کمک به تعمیر پنجره ها می پردازد و نه دستگیری افراد. در محله ها هزاران سکنه با پلیس برخورد دارند که در حوزه آنها

برای بررسی وضعیت مشکلات در حال پیشرفت کار می‌کنند و به مشخص کردن فوریت‌های جدید پلیس و عمل اجتماعی می‌پردازند (اسکوگان، ۲۰۰۶: ۳) شروع به کار پلیس در این رویکرد در شیکاگو نشان‌دهنده وجود برخی راه‌ها برای مشارکت شهروندان است که از زمان شروع آن، مشارکت شهروندان یکی از مهم‌ترین موفقیت‌ها تلقی شده است (شاک، ۱۳۹۲: ۱۷۱).

برنامه نگهبان محله یا بلوک:

برنامه نگهبان محله، مالکان خانه‌ها را برای شکل‌دهی گروه‌های همکاری برای جلوگیری از دزدی از خانه‌ها، زمانی که مالکان در خانه‌ها حضور ندارند و برای مقرر کردن مکان‌های امنی برای کودکان که ممکن است در مسیر رفت و آمدشان به مدرسه و از مدرسه به منزل تهدید شوند راهنمایی می‌کنند. این برنامه همسایگان را با هم برای کوششی در راستای کاهش جرم در محله هایشان تشویق می‌کند. به مالکان خانه‌ها کمک می‌کند تا با همسایگان و برنامه‌های عادی روزانه ایشان آشنا شوند. آنها برای گزارش‌دهی اقدامات مشکوک یا همسایگان مظنون به پلیس تشویق می‌شوند. با همکاری و دخالت شهروندان، محله مکان امنی برای زندگی است. عمده این برنامه‌ها بر این موضوع تأکید می‌کند که ساکنان نباید تلاش کنند تا مظنونان را دستگیر نمایند زیرا این برنامه‌ها اقدامات پلیس خودخوانده را مقرر نمی‌کند. گروه‌های شهروندان همانند چشم و گوش‌هایی برای پلیس خدمت می‌کنند (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۲۷۶).

درصد خانواده‌هایی که اعلام کرده بودند همیشه مراقب همسایگان و اموال آنها هستند از ۴۳ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۶۱ درصد در سال ۱۹۹۲ افزایش یافته بود (بیات و همکاران، ۱۳۸۷: ۶۶). شواهد نشان می‌دهد که نگهبان محله با کاهش متوسط جرم همبسته است، همچنین مدارکی وجود دارد که نگهبان محله می‌تواند با حساس کردن ساکنان در برابر تهدیدات یک محله باعث افزایش ترس از جرم شود (کوردنر، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

برنامه آموزش به والدین (اورگون):

یکی از ابتکارات آموزش والدین که با نهایت دقت مورد ارزیابی قرار گرفت، برنامه آموزشی اورگون برای والدینی است که دارای فرزندان مهاجم و بزه‌کار می‌باشند. به این‌گونه پدر و مادرها می‌آموزند که از شیوه‌های انضباطی مثبت و غیر تحمیلی استفاده کنند. رفتارهای ضد اجتماعی به صورت مستمر و قاطعانه برخورد نمایند، به جای تحمیل استانداردهای رفتاری قابل قبول بر فرزندان، بدون مشورت با آنها، در خصوص استانداردها با آنان به بحث و گفتگو بپردازند. مهارت‌های حل مشکلات را پرورش داده و روابط و تعاملات درون خانواده را بهبود بخشند. برنامه اورگون منجر به کاهش رفتار تهاجمی کودکان کم سن و سال به مدت یک سال گردید و نتایج مشابهی نیز در ارتباط با سرقت به دست آمد. ارزیابی این پروژه نشان داده که این طرح روابط والد - فرزند و معلم - کودک را در کوتاه مدت بهبود بخشیده اما اثری از جهت تغییر نگرشی والدین یا بهبود پیشرفت تحصیلی نداشته است. با این وصف مقایسه نوجوانانی که دست به سرقت از فروشگاه‌ها می‌زنند و به این پروژه ارجاع شده‌اند با گروه مشابهی که مورد نظر پروژه نبوده‌اند، نشان داد که احتمال اینکه گروه اول دوباره توجه پلیس را به خود جلب نمایند کمتر از گروه دوم بوده است (وروانی، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

افسران کاردان مدرسه^{۲۸} (SRO):

معروف‌ترین الگوی پلیس مبتنی بر مدرسه، مدل افسران کاردان مدارس است که از آمریکا شروع شده است. افسران کاردان مدارس، افسران مورد تایید پلیس هستند که به یک مدرسه یا گروهی از مدارس اختصاص می‌یابند. این مدل که در

خلال دهه ۱۹۵۰ ارائه شده است، توسط برخی از کشورها تقلید یا اقتباس شده است. این افسران با ایجاد مشارکت بین پلیس و مدرسه و پیشگیری پیش کنشی^{۲۹} و راهبردهای مداخله‌ای شکلی از پلیس جامعه محور را ارائه می‌دهند (نسل، ۱۳۸۷: ۱۹۰).

اجرای امور پلیسی جامعه محور در مدرسه به کلی با اجرای امور پلیسی سنتی متفاوت است. براساس این رویکرد ماموران برای اعمال قانون در مدرسه منصوب می‌شوند و هدفشان حل مسئله است نه واکنش نشان دادن به وقایع مجرمانه. مدرسه و پلیس مدرسه در جریان مشارکت با پلیس جامعه محور در یک سو قرار می‌گیرند و مامور نقش پیشگیری و مداخله به هنگام، رابه عهده می‌گیرد. در این رویکرد ارتباطات، ارزشی بسیار بالا دارد و کیفیت آن مدام ارتقاء می‌یابد. با عملی کردن چنین رویکردی تغییری اساسی در نقش پلیس در ایجاد روابط اجتماعی با مردم و حفظ نظم و امنیت به وجود می‌آید (اتکینسون، ۱۳۸۵: ۱۴، ۱۵).

مستندات قوی به دست آمده است که این برنامه به طور بارزی مشکلات مربوط به نظم و همچنین رفتارهای خطرناک فردی و اجتماعی را در خلال ساعات مدرسه کاهش داده است (محمدنسل، ۱۳۸۷: ۱۹۰-۱۹۲). تجربه ثابت کرده است که حضور افسر کاردان مدرسه، اثر بازدارنده‌ای را بر رفتار اخلاک گرانه و غیر قانونی دارد. به علاوه افسر کاردان مدرسه می‌تواند دانش آموزان را درباره حقوق و وظایفشان مطابق قانون آموزش دهد (روبلسکی و هس، ۱۳۹۲: ۲۷۱).

برنامه های اجرا شده در تهران:

در حال حاضر کلان شهر تهران، کانون برترین ارزش های معنوی و مادی کشور و مرکز مهم فعالیت ها و فرصت های اجتماعی، انباشت سرمایه و نخبگان است و سهم بسزایی در توسعه فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارد. اما متأسفانه گرفتار طیف گسترده‌ای از مسائل امنیت ستیز اجتماعی از قبیل افزایش و هجوم فزاینده جمعیت از شهرها و روستاها، گسترش پویای نابرابری های دردناک اجتماعی و اقتصادی و پیامدهای آن، کمبود عدالت اجتماعی، فقدان شرایط مساوی زندگی، انسجام گستاخانه ترین بزه کاری ها، جرائم، تبهکاری ها و ناهنجاری های اخلاقی ناموسی، دزدی، خیانت، کودکان خیابانی، اماکن فساد زیرزمینی و بسیاری از آسیب های اجتماعی دیگر نیز هست. که از ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی و شخصیت انسان ها به میزان قابل ملاحظه‌ای جلوگیری می‌کند. در این شهر مسئله امنیت شهری و گسترش فعالیت های مجرمانه روز به روز به موازات گسترش شهر پیچیده تر می‌شود. طبیعی است باید آگاهانه و خردمندانه علل درون زای پنهان و آشکار مسائل امنیت شهری را در نظر گرفت. چاره این کار برخورد ریشه‌ای و خشکانیدن سرچشمه های مسئله زای امنیت شهری با مشارکت آگاهانه و فعالانه مردم است.

پس از اتخاذ رویکرد جامعه محوری توسط ناجا در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه ۸۰، فرماندهان این نیرو، برنامه هایی را با هدف مشارکت شهروندان در تهران آغاز نمودند که در زیر شرح مهم ترین برنامه های اتخاذ شده ذکر می‌گردد:

ایجاد مرکز نظارت همگانی ناجا (۱۹۷):

در اواخر سال ۱۳۷۹ و در راستای تحقق رویکرد پلیس جامعه محور، دستور تشکیل دفتری که اعمال نظارت مردمی بر عملکرد پلیس را تحقق بخشد از سوی فرمانده وقت نیروی انتظامی محمد باقر قالیباف صادر گردید. جلب مشارکت مردمی و اعتماد عمومی به نیروی انتظامی، فراهم نمودن بستر تصمیم گیری برای فرماندهان پلیس از طریق جمع آوری نظرات و دیدگاه های مردمی و مطالبات آنها، بازدارندگی کارکنان از جرم و تخلف با استفاده از نظارت داوطلبانه و فراگیر مردمی از جمله وظایف این مرکز می‌باشد (نابینی و درخوش، ۱۳۹۰: ۳).

روش مرکز نظارت همگانی نیروی انتظامی بدین گونه است که تمامی پیام های مردمی را عیناً در سیستم جامع که بدین منظور طراحی شده، ثبت نموده و با استفاده از نرم افزارهای دیگری که تهیه شده؛ نظیر انبار داده امکان استخراج، توصیف آماری، تحلیل محتوایی و گزارش گیری های مختلف و متنوع مدیریتی از پیام ها را فراهم نموده است. از قابلیت های این سیستم این است که می تواند پیام ها را به تفکیک استان، شهرستان، یگان، موضوع، درجات مامورین، ماموریت های پلیسی و هر متغیر دیگری که از ابتدای ثبت پیام مدنظر ما باشد، دسته بندی نموده و اطلاعات مفیدی در اختیار مدیران قرار دهد. تحلیل محتوایی و توصیف آماری پیام ها بسیار مهم بوده و اطلاعات ارزشمندی در خصوص نقاط ضعف و قوت سازمان، مشکلات مبتلابه مردم، مطالبات و انتظارات مردمی و... در اختیار مدیران سازمان قرار می دهد (همان، ۱۳۹۰: ۱۱).

نتایج تحقیقی که برای سنجش تاثیر مرکز نظارت همگانی تهران بزرگ در اعتماد سازی بین مردم و پلیس در سال ۱۳۸۷ صورت گرفته آمارها گویای همکاری و برخورد خوب کارکنان با مردم بوده است و ضریب اعتماد اجتماعی به پلیس رو به افزایش بوده و قریب به اتفاق پاسخگویان، بیان داشته اند که ملاقات آن ها با مسئولین ناجا در ۱۹۷ موجب گشته است که مشکلات آن ها مرتفع گردد. اما در برخی از موارد، گزارش های ۱۹۷ مورد بی مهری و بی توجهی برخی مسئولین قرار می گیرد و اپراتورها به خوبی و با روش های روان شناسانه پاسخگویی مردم نیستند (جبه دارودیگران، ۱۳۸۷: ۱۰۲-۱۰۴).

ایجاد دفتر آموزش های همگانی:

یکی از برنامه های ناجا در زمینه پیشگیری اجتماعی، آموزش های همگانی است، به همین منظور ناجا از سال ۱۳۸۷ اجرای برنامه های آموزشی همگانی را به دوشیوه حضوری و غیر حضوری در دستور کار خود قرار داده است. آموزش همگانی اکنون در معاونت اجتماعی ناجا به یک راهبرد استراتژیک تبدیل شده است (براتی مصلح، ۱۳۹۳: ۷۴).

معاونت اجتماعی گسترده ترین شبکه مشاوره و مددکاری را در کشور دارد و بیش از ۶۲۵ کلانتری، دایره مددکاری و ۴۵ مرکز مشاوره و مددکاری در استان ها بوجود آمده است. آموزش همگانی از اولویت های معاونت اجتماعی و ارشاد است، این معاونت در سال ۱۳۹۳ حدود ده هزار نفر از اساتید دانشگاه ها، استانداران و فرمانداران وائمه جمعه را به صورت سازمان یافته مورد پایش قرار داده و دغدغه های آنان را رصد کرده است. در سال ۹۳ حدود ۳۵ هزار جلسه آموزشی برای کل کشور طراحی شده است. در نتیجه گیری های انجام شده در حوزه ترافیک و تخلفات رانندگی آموزش همگانی خوب جواب داده و خیلی تاثیر گذار بوده است (همان، ۱۳۹۳: ۷۷-۷۸).

هدف کلی این آموزش ها افزایش آگاهی های انتظامی اجتماعی مخاطبان باهدف پیشگیری از آسیب های اجتماعی و ارتقای احساس امنیت در جامعه است. در همه پلیس های تخصصی ناجا در حال حاضر رده اجتماعی طراحی شده است. معاونت اجتماعی ناجا در بسیاری از سریال های تلویزیونی به جهت آموزش همگانی وارد شده است. تاثیر درمانی نیز در اولویت قرار گرفته و به عنوان یک ماموریت محوری دنبال می شود و تاکنون جواب داده است. یکی دیگر از اقدامات معاونت اجتماعی حضور در کنگره پیشگیری از جرم سازمان ملل با مشارکت حداکثری است. برابر بیانیه های صادر شده سازمان ملل پلیس ایران تمرکز خود را از روی فرد به اجتماع تغییر داده است (همان، ۱۳۹۳: ۱۰۱-۱۰۴).

مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰:

سرعت عمل پلیس و پاسخگو کردن آن از جمله مولفه های مهم در راستای جلب اعتماد و مشارکت عمومی مردم به شمار می آید. در احساس چنین ضرورتی از سال ۱۳۷۹ شاهد راه اندازی مرکز فوریت های پلیسی ۱۱۰ ابتدا در تهران و سپس در نقاط مختلف کشور بوده ایم که باتوجه به موفقیت این برنامه از آن زمان تاکنون تحولات کمی و کیفی قابل توجهی در آن صورت گرفته است (وروائی، ۱۳۸۴: ۱۵۲).

پلیس ۱۱۰ سیستمی است که بزه دیدگان با یک تماس تلفنی می توانند سریع و آسان به پلیس دسترسی پیدا کرده و از آن کمک بگیرند. با ایجاد این سامانه نزدیک ترین یگان انتظامی و مامور پلیس به محل وقوع جرم، ماموریت می یابد، به صحنه جرم اعزام شود و به کمک بزه دیده بشتابد.

در تحقیقی که توسط عزیزاله تاجران و حسن کلاکی در سال ۱۳۸۷ با عنوان بررسی تاثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان صورت گرفته، حضور سریع و به موقع پلیس ۱۱۰ به میزان ۵۸ درصد بر احساس امنیت شهروندان تهرانی تاثیر داشته است (تاجران و کلاکی، ۱۳۸۷: ۵۷۰-۵۷۱).

برنامه نگهبان محله:

بر اساس این طرح مجتمع های مسکونی و تجاری و موسسات به نهادهای مردمی نگهبان محله سپرده می شوند. موسسات نگهبان محله تحت نظر پلیس فعالیت می کنند و ارتباط نزدیکی با کلانتری و پاسگاه ها دارند. شهروندان دسترسی بسیار نزدیک و سریعی به این پلیس های مردمی و محلی دارند. اگر ساکنان مجتمع های مسکونی یا تجاری و یا حاضران در شرکت ها و موسسات با خطراتی مانند سرقت و... مواجه شدند ضمن اینکه خود این نگهبانان محله می توانند با امکانات پلیسی که دارند به کمک آنان بشتابند و در صورت لزوم می توانند مراتب را سریعاً به واحدهای پلیس که تعامل مستمر و نزدیکی با آنان دارند اطلاع داده و کمک دریافت نمایند. ماموریت اصلی این پلیس، پیشگیری از جرم است و لی در صورت وقوع جرم به کمک اهالی و بزه دیدگان می شتابد (قوام، ۱۳۹۰: ۱۷۱-۱۷۲) ناجا در ایجاد نگهبان محله دو هدف داشته است اول ساماندهی شبگردها، سرایداران و افرادی که به صورت غیر اصولی به حفاظت از اماکن مسکونی، تجاری و... مشغول هستند دوم گسترش امنیت عمومی در لایه های درونی جامعه با بهره گیری از مشارکت مردم (گراوند، ۱۳۸۷: ۹۲).

تقی زاده در تحقیقی با عنوان تاثیر نگهبان محله در کاهش ترس از جرم مردم تهران بزرگ در محلات دارای نگهبان محله انجام داد و به این نتیجه رسید که نگهبان محله بر کاهش ترس از جرم تاثیر دارد (تقی زاده، ۱۳۸۴: ۷۱).

تاسیس دفاتر مددکاری اجتماعی دریگان های ناجا:

راه اندازی دفاتر مددکاری اجتماعی کلانتری ها اقدامی بود که باهدف نقش حمایتی ناجا در جامعه و کاهش حجم پرونده های ارجاعی به مراجع قضایی و پیشگیری از وقوع جرم و مصالحه و سازش بین اصحاب دعوا به ویژه در جرایم و اختلافات خانوادگی مطرح و عملاً از نیمه دوم سال ۱۳۸۰ همزمان با اتخاذ رویکرد جامعه محوری پلیس ایران در تهران آغاز و تا پایان سال ۸۱ تعداد ۷۴ دفتر مددکاری اجتماعی در تهران بزرگ و تعداد ۲۶۳ دفتر مشاوره و مددکاری در کلانتری های ۲۸ استان دیگر راه اندازی شد. در این بخش مددکاران و وظیفه دارندبه افرادی که توسط دایره قضایی کلانتری به واحد مشاوره و مددکاری کلانتری ارجاع داده می شوند کمک نموده و ضمن ارائه خدمات مشاوره ای نسبت به رفع مشکل آنان اقدام و در صورت امکان مابین طرفین دعوی مصالحه ایجاد نمایند (وروائی، ۱۳۸۴: ۱۶۰).

مددکاران اجتماعی مستقر در کلانتری ها تمامی توان علمی و حرفه ای خویش را برای حل مشکلات و اختلافات مراجعان به کار می گیرند. به نحوی که بین ۶۰ تا ۸۵ درصد پرونده های ارجاعی به دفاتر مددکاری اجتماعی کلانتری ها پس از انجام مشاوره و خدمات مددکاری، به سازش و مصالحه منجر شده است. باتوجه به نتایج مثبت تاسیس

این دفاتر، توسعه آن‌ها مورد توجه قرار گرفت به گونه‌ای که تا پایان سال ۸۸ معاونت اجتماعی ناجا موفق به تأسیس حدود ۷۰۰ دفتر مددکاری اجتماعی در کلانتری‌های سراسر کشور شده است. این دفتر واحدی است که با حضور نیروی انسانی آگاه به مسائل اجتماعی، روانشناختی، خانوادگی و حقوقی، موارد ارجاعی از طریق اداره قضایی در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها را پذیرش کرده و با بکارگیری اصول و موازین حرفه‌ای، زمینه لازم را برای مراجعان به منظور برقراری مصالحه و یا برگشت به سطح سازگاری متعارف ایجاد می‌کند. کمک به بزه‌دیدگانی که دارای مشکلات خانوادگی هستند و به کلانتری مراجعه می‌کنند به عنوان اصلی‌ترین وظیفه مددکاری اجتماعی در کلانتری است. بیشترین مشکلات مراجعان به مراکز مشاوره و دفاتر مددکاری اجتماعی واقع در کلانتری‌ها، مشکلات خانوادگی، مشکلات حقوقی، نزاع و درگیری و شکایات پیرامون مسائل مالی است. لذا مددکار اجتماعی وظیفه دارد طرفین دعوا را بپذیرد و با آنان مصاحبه تشخیصی انجام دهد. مددکار اجتماعی باید تمام سعی و تلاش خود را بنماید تا به دور از اکراه و اجبار بین طرفین دعوا مصالحه برقرار کند. در صورت نیاز به سایر مراکز حمایتی و خیریه معرفی نماید (قوام، ۱۳۹۰: ۲۰۱).

برگزاری نمایشگاه ویژه دانش آموزان:

نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز باهدف ارتقاء آگاهی دانش‌آموزان مدارس نسبت به انواع آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از سوق یافتن آنها به سوی بزه‌کاری و انحراف، همچنین ارائه اطلاعات لازم در خصوص حوزه‌های بزه‌دیدگی آنها به منظور کاهش موارد بزه‌دیدگی، نمایشگاه‌های خاصی را در این خصوص برگزار نموده است. در این نمایشگاه ضمن نمایش گزیده‌ای از مطالب پرونده‌های عبرت‌آموز نسبت به توزیع بروشور، متون آموزشی و دفترچه‌های آموزش همگانی اقدام می‌شود. همچنین فیلم‌های آموزشی نیز برای دانش‌آموزان بازدیدکننده پخش می‌گردد (وروائی، ۱۳۸۴: ۱۱۲). البته این نمایشگاه‌ها بیشتر در هفته ناجا و در یکی از مدارس شهرستان یا مرکز استان همه ساله برپا می‌گردد و دانش‌آموزان در ایام هفته ناجا از این نمایشگاه‌ها دیدن می‌نمایند.

برگزاری مسابقه ویژه دانش آموزان:

در این مسابقات سوالاتی در خصوص مسائل مربوط به نظم اجتماعی، پیشگیری از جرم و فعالیت‌های نیروی انتظامی در برقراری نظم عمومی و امنیت اجتماعی برای دانش‌آموزان در سطوح مختلف تحصیلی مطرح می‌شود. این برنامه بازتاب خوبی در بین نوجوانان و جوانان نقاط مختلف کشور داشته است (وروائی، ۱۳۸۴: ۱۱۳-۱۱۴).

فراخوان نقاشی در مدارس:

به منظور گسترش آموزش همگانی و اطلاع‌رسانی در بین قشر عظیم دانش‌آموزان، همچنین آگاهسازی آنان نسبت به مسائل و رفتارهای اجتماعی، معاونت اجتماعی پلیس تهران اقدام به فراخوان نقاشی دانش‌آموزان نموده است. در این راستا ابتدا نسبت به انتشار پوستر فراخوان نقاشی اقدام و از دانش‌آموزان دعوت می‌شود تا در خصوص موضوعات مختلف اجتماعی خصوصاً موضوعات مرتبط با نظم و قانون، نقاشی‌های خود را ارائه دهند. از جمله موضوعات مورد طرح به عنوان موضوع نقاشی می‌توان به موضوع چهارشنبه آخر سال اشاره کرد. از آنجایی که در چهارشنبه آخر سال برخی کودکان و نوجوانان دست به کارهای خطرناکی می‌زنند که برای خود و دیگران خطراتی را بوجود می‌آورد، آموزش کودکان به منظور کاهش این رفتارها و جلوگیری از آثار زیانبار ناشی از آنها، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و اجرای برنامه‌هایی از این قبیل می‌تواند در آموزش کودکان و نوجوانان و پیشگیری از رفتارهای خطرناک از سوی آنها موثر باشد (وروائی، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۱۵).

استقرار ایستگاه های پلیس در محلات:

Archive of SID

یکی از الگوهای برگرفته از پارادایم غالب رویکرد پلیس جامعه محور که در کشورهای پیشرفته، توسعه یافته و در حال توسعه مورد استقبال قرار گرفته و کارائی، اثربخشی و به طور کلی بهره وری انتظامی متفاوتی را در پی داشته است، طرح و الگوی ایستگاه های پلیس یا استقرار پلیس در همسایگی مردم است. استقرار پلیس در همسایگی مردم یکی از مهمترین اهداف و پیش فرض های رویکرد پلیس جامعه محور برای ارتباط نزدیک با مردم برای تحقق خواسته ها و تامین امنیت در جامعه می باشد. نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران استفاده از این الگو را در توسعه نوآوری های مدیریت پلیس قرار داده است به طوری که امروزه استقرار ایستگاه های پلیس در سراسر کشور راه اندازی شده است. ابتدا این الگو به صورت آزمایشی در پایتخت آغاز و سپس در کلیه استانها توسعه یافته است (قهرمانی، ۱۳۹۱: ۳).

در راستای اجرایی ساختن این طرح، ابتدا مناطق آلوده و جرم خیز توسط کلانتریها و پاسگاه ها شناسایی و پس از بلوک بندی حوزه استحفاظی، ایستگاه های ثابت و متحرک پلیس در آن مناطق مستقر شدند. از آنجایی که استقرار ایستگاه های پلیس در نقاط مختلف شهر ضمن افزایش حضور پلیس در جامعه تاثیر بسزایی در پیشگیری و ارتقای احساس امنیت داشته است. بنابراین می توان این اقدام ناجا را حرکتی در جهت تحقق رویکرد جامعه محوری پلیس ایران تلقی نمود (وروائی، ۱۳۸۴: ۱۵۵).

قهرمانی در پروژه تحقیقاتی که با موضوع تاثیر ایستگاه های پلیس تهران بزرگ بر امنیت انتظامی حوزه استحفاظی شهر تهران به صورت توصیفی - پیمایشی انجام داده به این نتیجه رسید که ۶۲ درصد از پاسخگویان کاهش جرم ناشی از اقدامات مامورین ایستگاه های پلیس را در حد زیاد و خیلی زیاد و ۳۸ درصد در حد متوسط ارزیابی کرده اند. همچنین حدود ۶۲ درصد از پاسخگویان کارایی ایستگاه های پلیس را مثبت ارزیابی کرده اند (قهرمانی، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

برگزاری همایش نظم و دانش:

یکی از برنامه هایی که در جهت تحقق این هدف از سوی ناجا اجرا می شود برگزاری همایش نظم و دانش در سطح دبیرستان های کشور است. هدف از اجرای این همایش تقویت ارتباط پلیس با جوانان و جلب همکاری آنها در مسائل مربوط به نظم عمومی است. بر اساس هماهنگی بین ناجا و آموزش و پرورش، چندین همایش تحت همین عنوان در سطح دبیرستان های نقاط مختلف کشور برگزار شده است. در این جلسات از سوی کارشناسان نیروی انتظامی برای دانش آموزان و اولیای آنها موضوعات مختلفی در خصوص پیشگیری از بزه کاری خصوصا پیرامون آثار مخرب اعتیاد و راه های پیشگیری از اعتیاد نوجوانان و جوانان مطرح می شود (وروائی، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

طرح همیار پلیس:

در تهران با هدف فرهنگ سازی و ارتقای سطح انضباط اجتماعی و کاهش ضایعات حاصل از سوانح رانندگی طرح همیار پلیس به عنوان یکی از راهکارهای عملی آموزش مقررات راهنمایی و رانندگی به کودکان در سال ۱۳۸۶ با همکاری پلیس راهور، مدیران مدارس و دانش آموزان به اجرا درآمد. در این طرح نه تخلف حادثه ساز شامل: سرعت غیر مجاز، سبقت غیرمجاز، حرکت مارپیچ، صحبت با تلفن همراه، صحبت با دیگران، رانندگی در خستگی و خواب آلودگی، نداشتن کمربند ایمنی، خوردن مواد خوراکی و بی توجهی به تابلوها و چراغ های ایمنی، به دانش آموزان آموزش داده می شود و آنها را موظف می سازد در صورت مشاهده تخلف در خودرویی که سرنشین آن هستند، مورد تخلف را به راننده تذکر دهند و در صورت لزوم گزارش نمایند (سوری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۴۰). این طرح در سال ۱۳۸۷ در سطح شهر تهران ارزیابی که ۱۷ درصد کاهش در میزان تخلفات رانندگی مشاهده شد (سوری و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۴۵).

وجه تشابه برنامه های پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم در تهران و کلان شهرهای آمریکا: Archive of SID
در تهران و کلان شهرهای آمریکا قبل از توجه به امر مشارکت شهروندان در برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم، آمار جرم و جنایت و بزه کاری افزایش و تبدیل به یک مساله اجتماعی گردیده است.

در تمامی شهرهای گفته شده؛ برنامه های اجتماعی توسط پلیس باهدف کاهش بزه کاری جوانان و نوجوانان و جلوگیری از بروز خشونت در بین این گروه های سنی اجرا شده است.

پلیس تهران و کلان شهرهای آمریکا اهمیت زیادی برای محیط مدرسه در پیشگیری از جرائم قائل شده اند. یکی از مهم ترین اهداف پلیس تهران و کلان شهرهای آمریکا از ایجاد برنامه های اجتماعی در مدارس تعامل دانش آموزان با پلیس و کاهش بزه کاری آنان بوده است.

در تهران و کلان شهرهای آمریکا بر نقش و اهمیت شهروندان برای پیشگیری از جرائم در محلات تاکید شده است. در عناوین برنامه های متمرکز بر محلات در ایران و آمریکا برنامه های مشابهی مانند ایجاد تلفن اضطراری و نگهبان محله دیده می شود.

هدف از اجرای برنامه های پلیس با مشارکت شهروندان در تهران و کلان شهرهای آمریکا پیشگیری از جرائم، جلب اعتماد و بالا بردن سطح مشارکت های مردمی بوده است.

وجه تفاوت برنامه های پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم در تهران و کلان شهرهای آمریکا:

در آمریکا بویژه در شهرهایی که در این پژوهش مورد مطالعه قرار گرفت مشخص گردید پلیس این کشور با همکاری آموزش و پرورش و سایر نهادها برنامه های کاملی با عنوان آموزش مقاومت در برابر مصرف مواد مخدر، گروه های آموزشی مردمی پلیس با هدف پیشگیری از مصرف مواد در بین دانش آموزان اجرا نموده است. این درحالیست که در تهران به رغم اینکه مصرف مواد مخدر و کاهش سن اعتیاد مهم ترین مساله اجتماعی کشور شناخته شده، برنامه کامل و جامعی جز همایش نظم و دانش که به صورت مقطعی از سوی پلیس برگزار می گردد توسط ادارات پلیس و یا سایر نهادها اجرا نشده است.

در آمریکا بعضی از برنامه های مرتبط با مبارزه با مصرف مواد ابتدا در یک شهر اجرا و در صورت موفقیت آمیز بودن برنامه سایر شهرها از آن الگو برداری کرده اند مانند برنامه آموزش مقاومت در برابر مصرف مواد مخدر که ابتدا در لس آنجلس اجرا و سپس سایر شهرهای آمریکا و یا پلیس دیگر کشورها از این طرح استقبال نموده اند. اما در ایران برنامه همایش نظم و دانش بدون ارزیابی برنامه در کل کشور برگزار گردیده است.

پلیس کلان شهرهای آمریکا برنامه های اجتماعی خود را برای کاهش خشونت در همه اقصای اجرایی نموده و صرفاً تمرکز بر گروه خاصی نداشته است. در برنامه های اجرا شده در این کشور مشخص گردید، پلیس لس آنجلس و شیکاگو همزمان که در زمینه پیشگیری از جرائم خشونت آمیز در بین همه افراد فعالیت دارد، برای افرادی که مرتکب جرائم خشونت آمیز گردیده اند و همچنین والدین جوانانی که مرتکب رفتارهای خشونت آمیز شده اند، برنامه های اجتماعی اجرا نموده تا مانع از تکرار خشونت در جوانان شود. لیکن در ایران برنامه های کاهش خشونت صرفاً در بعضی از مدارس و به صورت کلی برای همه دانش آموزان اجرایی گردیده است. تنها یک برنامه در تهران برای مرتکبین نزاع های خانوادگی پیش بینی شده که علیرغم اقدامات مناسبی که در برنامه صورت گرفته، با توجه به نحوه اجرای آن می توان گفت این یک برنامه پیشگیری نیست چرا که پلیس باید به انتظار بنشیند تا پرونده نزاع به کلانتری واصل و در دوایر مددکاری اجتماعی حل و فصل گردد. در نحوه رسیدگی به این نزاع ها به خاطر فلسفه اجرای این اقدام در اداره پلیس، ایراداتی مانند اجبار مراجعه کنندگان به رضایت، مشاهده شده است که اهداف این برنامه را زیر

سوال خواهد برد. همچنین در تهران و سایر شهرستانها برخلاف کشور آمریکا برنامه اجتماعی برای مرتکبین جرایم خشونت آمیز و یا مرتکبین نزاع های فردی و دسته جمعی دیده نمی شود.

در کلان شهرهای آمریکا اکثر برنامه های اجرا شده، ارزیابی و نتیجه اجرای آن در کاهش جرایم اعلام گردیده است. این درحالیست که در تهران توجهی به ارزیابی برنامه و نتیجه برنامه های انجام گرفته نشده است.

در شهر لس آنجلس آمریکا برنامه ای با نام جوانان، مرکز توجه پلیس مردمی اجرا گردید که به نوعی به دلیل اقدام جالب توجه آن کم نظیر است. در این شهر تمامی موسساتی که برای امور جوانان فعالیت دارند با هدف یکپارچه ساختن فعالیت موسسات و نهادهای مختلف در حوزه پیشگیری از بزه کاری جوانان، بایکدیگر به صورت مشترک همکاری و برنامه موصوف را شکل داده اند. در ایران نیز موسسات زیادی مانند شهرداری ها، صدا و سیما، استانداری، وزارت ورزش و جوانان و... در حوزه جوانان فعالیت دارند. لیکن جای خالی این گونه برنامه ها احساس می گردد. در ایران هریک از این نهادهای صورت جداگانه برای جوانان فعالیت داشته و تاکنون اقدام موثری برای پیشگیری از بزه کاری این قشر انجام نداده اند.

بیشتر برنامه های اجتماعی پلیس در مدارس تهران مبتنی بر اقدامات پیشگیرانه برای تمامی دانش آموزان به صورت مقطعی بوده است و برای دانش آموزانی که مرتکب بزه شده و یا در معرض خطرات جرم قرار دارند اقدامی صورت نگرفته است در حالی که برنامه های اجتماعی پلیس و مدارس در کلان شهرهای آمریکا به صورت مستمر و در دو شکل متفاوت اجرا گردیده است، در شکل اول پلیس برای همه دانش آموزان اعم از بزه کار و غیر بزه کار برنامه هایی مانند افسران کاردان مدرسه پیش بینی کرده است و در شکل دوم به صورت ویژه به دانش آموزان بزه کار با انجام برنامه هایی مانند کنترل دانش آموزان فراری در لس آنجلس، توجه نموده است. یکی از نکات برجسته برنامه ها در شکل دوم، حضور دانش آموزان بزه کار به همراه والدین در برنامه های پیش بینی شده و کنترل دانش آموزان در هفته ها و ماه های بعدی در مدارس می باشد.

در مدارس آمریکا، حضور دائم پلیس در مدرسه با نگاه حل مسئله نه با نگاه امنیتی برای کاهش جرایم در برنامه هایی مانند افسران کاردان مدرسه دیده می شود این درحالیست که در تهران ما شاهد وجود چنین پلیسی نمی باشیم.

در طرح نگهبان محله در کلان شهرهای آمریکا به خوبی از ظرفیت ساکنان محل در امر پیشگیری از جرایم با تشویق تمامی شهروندان در امر مراقبت از محله استفاده شده که این مشارکت منجر به کاهش جرم در محلات گردیده است. اما در ایران برای اجرایی شدن نگهبان محله افرادی در شرکت های وابسته به ناجا برای این امر استخدام شده اند که با پوشیدن لباسهای متحدالشکل در محله تردد و با پلیس همکاری دارند. این افراد بعضا ساکنان محل نبوده و پس از استخدام در یکی از محلات یا موسسات و یا واحدهای تجاری فعالیت دارند. یکی از مشکلات این امر نمایان شدن بعد اقتصادی این طرح بوده که با این وضعیت، بعد پیشگیری از جرایم به حاشیه رانده شده است.

در برنامه های اجرا شده در تهران برای تمرکز بر شهروندان در محلات، مجدد بر نقش پلیس تاکید شده است و مشارکت شهروندان برای پیشگیری از جرایم و حل مشکلات محله دیده نمی شود. مثلا در برنامه استقرار ایستگاه های پلیس در محلات، صرفا پلیس به جای نشستن در کلانتری به واحدهای سیار پیش بینی شده در محلات مراجعه نموده است. هرچند با این اقدام دسترسی مردم به پلیس با سهولت انجام می گیرد اما در اجرای این طرح اقدامی برای تعامل و مشارکت پلیس و مردم در حوزه استحضاطی صورت نگرفته است. برعکس در تمامی برنامه های اجرا شده در آمریکا که متمرکز بر شهروندان در محلات بوده، عنصر همکاری شهروندان به خوبی دیده می شود و به عنوان یکی از عوامل موفقیت آمیز برنامه ها ذکر گردیده است. در طرح هایی مانند: مبارزه با سرقت خودرو معروف به سی ای تی، گشت شهروندان و نگهبان محله، شهروندان داوطلبانه با پلیس همکاری داشته و حرکت های مشکوک در محلات از سوی آنان

به پلیس گزارش گردیده است. درشیکاگو تمامی برنامه های انجام شده متمرکز بر شهروندان بوده و حضور مردم در نشست های مردمی پلیس کاملاً مشخص است.

نتیجه گیری

برابر یافته های پژوهش، در کلان شهرهای آمریکا، سازمان های دولتی، قانون سال ۱۹۹۴ و گروه های مردمی از پروژه های ابتکاری برای تقویت پلیس و کاهش جرم حمایت کردند. این امر نشان می دهد استراتژی های پلیس اجتماعی به صورت عملی در سازمان پلیس آمریکا در همان اوایل توجه پلیس به مشارکت شهروندان اجرایی شده است. اما در تهران توجهی از سوی قوه قانون گذار برای تأمین هزینه ها، صورت نگرفته و حمایت عملی سایر نهادها به ویژه قوه مجریه و قضائیه دیده نمی شود و این رویکرد مانند آنچه در کلان شهرهای آمریکا آغاز شده در تهران به دلیل وجود تفاوت های فرهنگی بین دو کشور صورت نگرفته است.

در تهران به رغم این که مصرف مواد مخدر و کاهش سن اعتیاد مهم ترین مسئله اجتماعی کشور شناخته شده، برنامه کامل و جامعی جز همایش نظم و دانش که به صورت مقطعی از سوی پلیس برگزار می گردد توسط ادارات پلیس و یا سایر نهادها اجرا نشده و مشارکت شهروندان در این زمینه کم رنگ می باشد.

کلان شهرهای آمریکا توانسته اند در برنامه های مرتبط با محلات و دیگر برنامه های پیشگیری اجتماعی؛ با استفاده از ظرفیت ساکنان محل در امر پیشگیری از جرایم در امر مراقبت از محله استفاده نمایند به صورتی که مشارکت مردم منجر به کاهش جرم در محلات گردیده است. اما در تهران برای اجرایی شدن نگرهبان محله، الگوی دیگری پیاده شده که مشارکت وسیع مردم دیده نمی شود بلکه این نگرهبانان محله هستند که به جای پلیس مراقب محله هستند. در برنامه استقرار ایستگاه های پلیس در محلات، بر مشارکت شهروندان تأکید نشده بلکه پلیس به جای نشستن در کلانتری به واحدهای سیار پیش بینی شده در محلات استقرار یافته و در نتیجه اقدامی برای تعامل و مشارکت پلیس و مردم در حوزه استحفاظی صورت نگرفته است. استفاده از تئوری حل مسئله، نظریه پنجره های شکسته کلینگ و مور و دادن اختیارات بیشتر به نیروهای صفی برای ریشه یابی مشکلات در حوزه استحفاظی و حل مشکلات محله در برنامه های پیشگیری اجتماعی از جرم در کلان شهرهای آمریکا کاملاً مشهود است. اما در تهران به صورت عملی و واقعی از تئوری های مرتبط با پیشگیری اجتماعی از جرم در برنامه های موصوف استفاده نشده است.

بر اساس یافته های کلی تحقیق، مشخص گردید: به رغم اینکه پلیس تهران توانسته برخی برنامه های اجتماعی در جهت پیشگیری از جرم با مشارکت شهروندان و نهادها اجرا نماید لیکن نتوانسته از تمام ظرفیت های اجتماعی به خصوص مشارکت شهروندان در این امر استفاده نماید. از سوی دیگر بیشتر برنامه های اجرا شده ارزیابی نشده اند و نتیجه آمارهای کلی در سطح تهران نشانگر افزایش جرایم می باشد. برنامه ریزی نامناسب در جهت جلب مشارکت شهروندان و نهادها، عدم جلب اعتماد شهروندان به همکاری با پلیس و کلی بودن برنامه ها و نبود عزم جدی از جانب پلیس و شهروندان و فقدان فرهنگ مشارکت بین پلیس و مردم از جمله موانع اصلی در پیشگیری اجتماعی از جرم در تهران است. همچنین پلیس ایران نتوانسته رویکرد اجتماع محوری را بر اساس الگو و تعاریف نظریه پردازان این حوزه اجرایی و به خوبی از تمامی ظرفیت های اجتماعی استفاده نماید؛ لذا بایستی برای جلب مشارکت شهروندان اقدامات زیادی صورت پذیرد.

پیشنهادات

پیشنهادات مبتنی بر یافته های پژوهش:

نیاز است پلیس تهران بیانیه مأموریت خود را برای مشارکت بیشتر شهروندان تنظیم و برای تصویب و حمایت قانونی و مالی به مجلس شورای اسلامی ارائه و دفتر خدمات پلیس اجتماع محور را برای آشنایی مردم و کارکنان پلیس، ایجاد نماید.

پلیس تهران می‌بایست از برنامه‌های اجتماعی اجرا شده در کلان شهرهای آمریکا در رابطه با پیشگیری از مصرف مواد مخدر، از توانمندی شهروندان و نهادها به ویژه آموزش و پرورش برای مبارزه با سوء مصرف مواد مخدر بهره گیرد. باید اطلاع‌رسانی، آموزش همگانی و افزایش مهارت‌های زندگی اجتماعی دانش‌آموزان از کودکان تا سن جوانی، محور اول فعالیت سازمان‌های مسئول امنیت به خصوص پلیس باشد.

لازم است کمیته‌های پیشگیری از جرم محلی برای پیشگیری اجتماعی از بزه‌کاری جوانان و نوجوانان و برگزاری برنامه‌های متنوع اجتماعی برای جوانان تشکیل گردد.

در صورتی که پلیس تهران قصد اجرای صحیح برنامه‌های پیشگیری اجتماعی با مشارکت شهروندان را دارد باید شهروندان را در امر پیشگیری درگیر سازد. این امر نیاز به برنامه‌ریزی و پیگیری مداوم دارد. همچنین بدون آگاهی مردم از اهداف پیشگیری اجتماعی و بدون شرکت تمامی مردم، پیشگیری اجتماعی عملی نمی‌گردد. یکی از راه‌های افزایش ارتباط پلیس و جامعه و آگاهی دادن به شهروندان، برگزاری جلسات مشخص و مداوم بین پلیس با مردم است. پلیس باید در قبال مردم پاسخ‌گو بوده و به خواسته‌های آن‌ها پاسخ دهد. برگزاری این نشست‌ها باید در محلات و توسط یگان‌های اصلی درگیر با جامعه بویژه کلانتری‌ها صورت گیرد.

نواحی و محلاتی در تهران وجود دارند که جرم‌خیز هستند و به تبع آن، فراوانی جرایم و زمینه‌های ارتکاب بزه‌کاری در دانش‌آموزان مدارس این محلات بیشتر از سایر مدارس محلات و نواحی دیگر تهران است. بنابراین پلیس با همکاری مدارس باید مدرسی که دارای فراوانی جرایم هستند را شناسایی و در این مدارس، اجرای برنامه‌های پیشگیری اجتماعی از جرم را در اولویت قرار دهند.

منابع

اتکینسون، آن، ۱۳۸۵، پلیس جامعه محور در مدرسه، ترجمه سروش بهربر، دانشگاه علوم انتظامی، معاونت پژوهش: اداره چاپ و نشر سروش،

احمدی مقدم، اسماعیل، ۱۳۸۴، آیین نامه فرماندهی و رهبری انتظامی (افرا)، تهران: دفتر فرماندهی ناجا.

انصاری، حمید (۱۳۸۴)، "عوامل موثر بر مشارکت مردم در امور مربوط به ناجا در شهرستان تهران"، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، شماره ۲۶، ص ۱۴۱.

براتی مصلح، محمد سعید، ۱۳۹۳، "مجموعه نشست‌های همایش ملی پلیس و پیشگیری اجتماعی از جرم" تهران: انتشارات معاونت اجتماعی ناجا، اداره کل مطالعات و تحقیقات.

براگا، آنتونی، ویزبورد، دیوید، ۱۳۹۲، "نوآوری‌های پلیس و پیشگیری از جرم: درس‌هایی از تحقیقات پلیس در بیست سال گذشته" ترجمه جابر بابایی، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم پلیس پیشگیری ناجا، سال ۸، شماره ۲۶، بهار ۹۲.

بیات، بهرام و دیگران، ۱۳۸۷، پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع محور، تهران: معاونت اجتماعی ناجا، اداره کل مطالعات اجتماعی.

پیک، کنت جی و دیگران، ۱۳۹۱، نظارت و مدیریت پلیس در عصر پلیس جامعه محور، ترجمه مهیارنخعی، تهران: بازرسی کل ناجا، دفتر تحقیقات کاربردی.

ترویانیچ، رابرت، باکوروکس، بانی، ۱۳۸۳، پلیس جامعه محور، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات کاربردی طرح و

تاجران، عزیزاله، کلاکي، حسن(۱۳۸۷)، "بررسی تاثیر عملکرد پلیس بر احساس امنیت شهروندان تهراني"، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامي، دوره ۴، شماره ۴، زمستان ۸۸، صفحات ۵۶۱ تا ۵۸۶.

جعفري، عبدالرضا و همکاران، ۱۳۹۱، رهنمودهاي عملي پيشگيري از جرم، تهران: معاونت اجتماعي و پيشگيري از وقوع جرم قوه قضائيه، نشر میزان.

جبه دار، علیرضا، ساویز، عبدالرضا، رضايي، جواد، (۱۳۸۷)، "تاثیر دفتر نظارت همگانی تهران بزرگ در اعتمادسازی بین پلیس و مردم"، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامي، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۴۱-۱۵۵.

روبلسکي، هنري ام، هس، کارن ام، ۱۳۹۲، پلیس و عدالت کيفري، ترجمه مهدي مقيمي و فريده طه، تهران، علامت.

سفيري، خديجه، ۱۳۸۷، "نقش نهادهاي غير دولتي محله اي در تأمین امنیت اجتماعي با تکیه بر شهر تهران"، مجله مطالعات اجتماعي ايران، دوره دوم، شماره ۲، صص ۱۶۴-۱۴۳.

سوري، حميد و دیگران، ۱۳۸۹، "نقش همیاران پلیس در میزان تخلفات و سوانح ترافيکي کشور"، فصلنامه پایش، سال نهم، شماره چهاردهم، صص ۳۴۸-۳۳۹.

ساویز نایینی، عبدالرضا، درخوش، محسن (۱۳۹۰)، "تجارب و آموخته ها در مرکز نظارت همگانی نیروي انتظامي جمهوري اسلامي ايران" دفتر مطالعات و تحقیقات کاربردي ناجا.

طلایی، ۱۳۸۱، مجله حقوق وکالت، مرداد و شهریور ۱۳۸۱، شماره ۱۲ و ۱۳، صص ۲۲-۱۸.

فیلدینگ، نایجل جي، ۱۳۹۰، پلیس و درگیری اجتماعي، ترجمه سپیده یوسفی، تهران: شرکت ناجی نشر.

قالیباف، محمد باقر، ۱۳۸۰، آیین نامه فرماندهی و رهبری انتظامی(افرا)، تهران، دفتر فرماندهی ناجا،

قهرماني، علي اکبر، ابطحي، سيد حسين، ۱۳۸۸، "طراحی الگوي پلیس جامعه محور در جمهوري اسلامي ايران" فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامي، سال پنجم، شماره اول، بهار ۸۹.

قهرماني، علي اکبر، ۱۳۹۲، "بررسی رابطه بين انتظارات حاکمیت از پلیس با رویکرد پلیس جامعه محور" پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامي، سال ششم، شماره دوم(پیاپی بیست و دوم)، تابستان ۹۲، صص ۱۱۴-۹۱.

قهرماني، علي اکبر، ۱۳۹۳، "تأثیر ایستگاه هاي پلیس تهران بزرگ بر امنیت انتظامي حوزه استحفاظي"، تهران: دفتر تحقیقات کاربردي پلیس پيشگيري ناجا، پروژه تحقیقاتي.

قوام، میرعظیم، ۱۳۹۰، نقش پلیس در حمایت بزه دیده و کاهش آسیب هاي ناشي از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردي پلیس پيشگيري ناجا،

کاظمي، سيدعلي، باراني، محمد، ۱۳۸۸، مجموعه مقاله هاي برگزیده همایش علمي کاربردي پلیس و نظام عدالت براي کودکان و نوجوانان، ناجا دفتر تحقیقات کاربردي، تهران: مرکز چاپ و نشر حدیث کوثر.

کریمی خوزانی، علي، ۱۳۸۹، برخورداری از پلیس شایسته با مطالعه شیوه ترفیع کارکنان پلیس در انگلستان و آمریکا، دو ماهنامه توسعه انساني پلیس، سال هفتم، شماره ۳۲، آذر و دي.

کوردنر، گري، ۱۳۹۰، کاهش ترس از جرم، ترجمه اسماعیل حسنوند و احسان حسنوند، تهران: انتشارات جامعه شناسان.

کلینگ، جورج ال، ویلسون، جیمزکي(۱۳۸۲)، "پنجره هاي شکسته - پلیس و امنیت محلي" ترجمه محمدصادري، مجله حقوقي دادگستري، شماره ۴۳، از ۱۷۹ تا ۲۰۴.

کوردنر، گري، کاهش ترس از جرم، ترجمه اسماعیل حسنوند و احسان حسنوند، تهران، انتشارات جامعه شناسان، ۱۳۹۰.

محمد نسل، غلامرضا، ۱۳۸۷، پلیس و سیاست پيشگيري از جرم، تهران: دفتر تحقیقات کاربردي پلیس پيشگيري ناجا.

محمد نسل، غلامرضا، ۱۳۸۷، پلیس و پيشگيري از جرم(مجموعه مقالات)، دفتر تحقیقات کاربردي پلیس پيشگيري ناجا.

منظمي تبار، جواد(۱۳۸۵)، "نقش مشارکت مردمی در تقویت امنیت اجتماعي"، فصلنامه دانش انتظامي، سال هشتم شماره اول، ص ۷-۳۲.

- مجموعه قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۳، اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات نهاد ریاست جمهوری، نشر تهران، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح مقررات.
- نجفی ابرند آبادی، علی حسین، ۱۳۷۸، "پیشگیری از بزه کاری و پلیس محلی" مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۹ و ۲۰، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- نیکوکار، حمیرضا. یاراحمدی، مسعود(۱۳۹۱). " تاثیر رویکردهای پلیس سنتی و جامعه محور در کاهش ترس از جرم " فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۲، بهار ۹۱.
- وروایی، اکبر، ۱۳۸۴، پلیس جامعه محور، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا.
- ویلیامسون، تام، ۱۳۹۲، راهنمای پلیس دانش محور_ مفاهیم جاری و مسیرهای آتی، ترجمه علیرضا جزینی، تهران: مرکز تحقیقات کاربردی ناجا،
- هس، کارن ام، میلر، لیندا اس، ۱۳۸۲، پلیس در اجتماع، ترجمه رضا کلهر، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی. همتی، رضا(۱۳۸۶)، "پلیس جامعه محور و نقش آن در کاهش احساس ناامنی"، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره سوم.
- یعقوبی، پرویز. محمدولی، مجید(۱۳۹۲). "مطالعه تطبیقی سیاست پیشگیری از جرم در پلیس ایران و ترکیه". فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس. سال چهارم. شماره سیزده. بهار ۱۳۹۲.
- Adams, R. E. , Rohe ,W. M. , Arcuryc, T. A. (۲۰۰۵). Awareness of community -oriented Policing and neighborhood perceptions in five small to midsize cities. *Journal of Criminal Justice*. ۳۳, ۰۵۴- ۴۳
- Amadi, Emmanuel N" (۲۰۱۴). "A Qualitative Analysis of Community Policing in the United States" *American International Journal of Contemporary Research* Vol. ۴No ;۱ January .۲۰۱۴
- Cordner, G. W(۱۹۹۸). Community policing; elements and effects. In Alpert Gp, Piguero. a. Community policing; contemporary readings. Waveland press prospect heights. IL pp. ۴۵_ ۶۲
- K. Sparrow, Malcolm(۱۹۸۸). Implementing community policing. National Institute of Justice, U. S. Department of Justice, and the Program in Criminal Justice Policy and Management ,John F. Kennedy School of Government, Harvard University .
- Palmer, Darren .Berlin, Michael. M. Das, Dilip K(۲۰۱۲). Global environment of Policing. The Evolution Decline and Nascent Transformation of Municipality Policing in the United States. International police executive symposium co_publication .CRS press. Police Studies: Intl Review of Police Development. Policing :An International Journal of Police Strategies & Management. ISSN: ۰۱۴۱_۲۹۴۹
- Scheider ,Matthew c. Rowell, Tawandr and Bezdikian, Veh(۲۰۰۳). The impact of citizen perceptions of community policing on fear of crime :findings from twelve cities. *POLICE QUARTERLY* Vol. ۶No. ,۴December .۳۸۶-۳۶۳ ۲۰۰۳
- Skogan, G. Wesely(۲۰۰۶). Police and Community in Chicago. Oxford University Press. New York, New York .

Archive of SID
Skogan, G. Wesley (" .(۲۰۱۱)Quasi_experimental Research on Community Policing In "David Gadd(Ed .(The Sage Handbook on Criminological Research Methods. London: Sage, .۲۰۱۱)PAGE PROOFS_only small changes required .

Mirsky, By Ian (" .(۲۰۰۹)COMMUNITY ORIENTED POLICING "Internet Journal of Criminology .۲۰۰۹ ©